

جامعه ای که سرباز ایستادن ندارد! شهلا دانشفر

صفحه ۲



جمهوری اسلامی؛ محصول چپ یا استبداد و اسلام‌پناهی پهلوی؟

حسن صالحی، صفحه ۶

تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی در چند شهر و اخباری دیگر صفحه ۳

اعتراضات گسترده در دانشگاه ها و اخباری دیگر صفحه ۵

تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی در چند شهر و اخباری دیگر صفحه ۶

کارزار سه شنبه های نه به اعدام در هفته صد و ششم در ۵۶ زندان و اخباری دیگر صفحه ۷

اعتصاب دو روزه کارگران پالایشگاه عسلویه، مراسم های گرامیداشت جانبازان، ادامه اعتراضات

دانشگاهها، و اخباری دیگر صفحه ۷

ادامه همبستگی ها با مردم و در اعتراض به نسل کشی حکومت اسلامی

بیانیه شورای هماهنگی فرهنگی و انجمن پزشکان عمومی فارس در اعتراض به جنایات حکومت

صفحه ۸

فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگی برای ثبت روایت کودکان جانباخته و آسیب

دیده و بازداشت شده و خبری دیگر صفحه ۹

از مدیای اجتماعی

قربانیان سرکوب: کارگران و مزدبگیران کشته شده در اعتراضات اخیر، صفحه ۱۰

بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه درباره کشتار و بازداشت کارگران

معترض، صفحه ۱۲

اعلام همبستگی اتحادیه معلمان هلند با معلمان و فعالان صنفی ایران، صفحه ۱۲

دستگیر شدگان دیمه باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند

لیستی از معلمان بازداشتی از اعتراضات دیمه تاکنون، صفحه ۱۳

زنده باد زن زندگی آزادی، صفحه ۱۶

پزشکیان اعلام کرده است که دستور مذاکره مستقیم با آمریکا را داده است، صفحه ۱۶

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۹۲۲

۲۰ بهمن ۱۴۰۴

۹ فوریه ۲۰۲۶



دوشنبه ها منتشر میشود

تا همیشه زن زندگی
آزادی

یاشار سهندی، صفحه ۴

از مدیای اجتماعی

کودک کشی، کودک زندان و

کودک ربایی دولتی را

متوقف کنید صفحه ۱۴

حمایت فدراسیون اتحادیه

های پرستاران کانادا از

مردم ایران صفحه ۱۴

تشکیل صندوق کمک به

زخمی های دی ماه

صفحه ۱۴

بردگی را برنمی تائیم!

صفحه ۱۵

از دمکراسی بگو!

صفحه ۱۶



جامعه ای که سرباز ایستادن ندارد! شهلا دانشفر

کشتار و یا قتل عام دی ماه زخم عمیقی را بر پیکر جامعه رهایی طلب این کشور ایجاد کرد. زخمی که جز با سرنگونی حکومت بی نهایت منفور و ضد انسانی حاکم و گسستن تمام تاروپود آن، تسکین و التیام نخواهد یافت. در پس این قتل عام اما این جامعه باز هم با صلابت و خشم بیشتر سربلند کرده و اعتراضات دارد شکل میگیرد. جنبشهای اجتماعی به شکل اعلام اعتراض و بیانیه های کیفرخواستی و نیز تجمعات اعتراضی دارند قدم جلو میگذارند. بازنشستگان دوباره به میدان آمده و دانشگاهها به کانون داغ اعتراضات مردم و دادخواهی یک جامعه میلیونی علیه حکومت کشتار اسلامی تبدیل شده است. نگاهی اجمالی به سرتیتر اعتراضات کنونی فضای جامعه را بدرجه ای بازتاب میدهد:

خبرها و گزارشاتی حاکی از اینست که مردم خود را در محلات برای تداوم اعتراضات، و به عنوان امری فوری، برای کمک رسانی به زخمی شدگانی که بخاطر خطر دستگیری در منازل تحت مراقب هستند، و مقابله با سرکوبگرها و ادامه کشتارها و برای آزادی بازداشت شدگان در بند سازمان میدهند.

در این دو هفته شاهد از سرگیری یکشنبه های اعتراضی بودیم و تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای شوش، اهواز، رشت و تهران برگزار شدند. این اعتراضات رنگ و بوی شرایط خشم انقلابی جامعه دادخواه ایران بعد از کشتار جنایتکارانه حکومت را دارد. در این تجمعات بازنشستگان صدای اعتراض خود را به کشتار مردم توسط حکومت، فساد حکومتی، معضلات معیشتی و پایمال شدن حقوق خود بلند کردند. بازنشستگان در رشت شعار می دادند: «نه به کشتار! نه نه نه» ، «معارض زندانی آزاد باید گردد»، «تا لغو حکم اعدام، ایستاده ایم تا پایان»، «کارگر زندانی، معلم زندانی آزاد باید گردد». در شوش، بازنشستگان تجمع کننده با خانواده های جان باختگان اعلام همدردی کردند و کشتار دی ماه را محکوم نمودند. این بازنشستگان در تجمع نوزدهم دیماه خود به یاد جانباختگان یک دقیقه سکوت اعلام کردند.

از سوی دیگر در همین روزها اعتراضات کارگران پالایشگاه شماره ده عسلویه در مجموعه پارس جنوبی و اعتصاب آنان در پنج روز متوالی را در مجموعه پارس جنوبی در اعتراض به تعرضات معیشتی و کاری حکومت، و اعتراض کارگران شهرداری ایلام در سیزدهم بهمن را شاهد بودیم. این درحالی است که یک محور مهم خیزش های مردمی در دیماه اعتراض بر سر معیشت و سر آغاز فاز جدیدی از انقلاب زن، زندگی، آزادی بود که دامنه اش به ۲۰۹ شهر کشیده شد. و رژیم که سرنگونی حتمی خود را شاهد بود، کشتار کرد که بماند. کشتاری که پایان نیافته است چرا که جامعه علیرغم زخم عمیقی که خورده، سراپا ایستاده و مترصد است تا به این حکومت جنایتکار پایان دهد.

در متن این شرایط اعتراضات دانشجویان در دانشگاههای مختلف یک کانون داغ اعتراضات مردمی است. محور اصلی اعتراضات دانشجویان به کشتار دیماه حکومت در تداوم انقلاب است و این اعتراضات هر روز گسترده میشود و تا کنون دهها دانشگاه با بیانیه های پرشور خود به این کارزار پیوسته اند. در این کارزار گسترده اعتراضی، دانشجویان در ادامه اعلام تحریم امتحانات پایانترم، در برخی

دانشگاهها مثل مشهد، جندی شاپور اهواز، تبریز، شیراز، یاسوج و غیره تجمعات اعتراضی داشته و دست به تحصن زده اند. از جمله در دانشگاه فردوسی مشهد بیش از هزار دانشجو تجمع کردند. در شیراز نیز دانشجویان چندین روز متوالی تجمع داشتند و اعتراضشان ادامه دارند.

دانشگاههای علوم پزشکی حضور فعالی در این اعتراضات دارند و از کادر درمانی که کشته دادند و بسیاری از آنان بازداشت شده اند، حمایت کرده اند. نصب پوستر جانباختگان در خیابان ها از جمله در نارمک تهران شکل دیگری از اعتراض مردم علیه جنایات حکومت است.

* تحریم امتحانات شکلی از اعتصاب و توقف روند عادی کار و زندگی اجتماعی از سوی مردم است. این شکل از اعتراض را میتوان در تمام بخش های جامعه بویژه در محیط های کارگری به صورت توقف کار به کار بست و با از حرکت انداختن چرخه تولید و مقابله با عادی سازی وضعیت جامعه توسط حکومت، رژیم را به لحاظ اقتصادی و اداره جامعه فلج کامل کرد. در متن این اعتراضات نهادهای مردمی شکل گرفته در محلات شکلی اولیه از ابزار اداره امور جامعه توسط خود مردم و پیشبرد سازمانیافته متحدانه اعتراضات خواهد بود.

در متن این شرایط کارزارهای مبارزاتی علیه اعدام جریان دارد و در این هفته در چهاردهم بهمن ماه صد و شصت و هفت روز «سهشنبه های نه به اعدام» در ۵۶ زندان کشور جریان داشت. بیانیه هفتگی اعضای این کارزار با اشاره به کشتارهای وحشیانه حکومت، بازداشت های هزاران نفره مردم، بی خبری بسیاری از مردم از وضع عزیزان دستگیر شده خود، اقدامات سرکوبگرانه حکومت را مصداق قتل حکومتی و ناپدید سازی قهری دانسته و ولی فقیه را مسئول اصلی آن خوانده اند. اعضای این کارزار همچنین از تمام خانواده های بازداشت شدگان و جانباختگان خواستار شده اند که صدایشان را بلند کرده و اسامی عزیزانشان را رسانه ای و منتشر کنند. همچنین از تمامی مردم شرافتمند و فعالان حقوق بشر، صنفی، مدنی و سیاسی می خواهیم بیش از همیشه صدای زندانیان و بازداشتی های اخیر باشند.

از سوی دیگر مراسمهای گرامیداشت جانباختگان با حضور قابل توجه مردم به کانونهای داغ دادخواست و اعتراضات و تقویت کننده پیوند مبارزاتی مردم برای پایان دادن به چرخه جنایت حکومت هستند. در این هفته مراسم طه سلیمانی و بهنام درویشی را داشتیم. در این مراسم ها مردم با کف زدن و رقص با موزیک، خشم خود را علیه حکومت فریاد زدند و پاسخ محکمی به جنایتکاری حکومت میدهند. در کنار اعتراضات خیابانی شکل های مختلف کارگری و اجتماعی و نیز

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!



از صفحه ۲

جامعه ای که ...

چهره‌های معترض اجتماعی، در بیانیه‌های مستقل یا مشترک، ضمن محکوم کردن کشتار دهشتناک دی‌ماه، بر محاکمه آمران و عاملان این جنایت بی‌سابقه تأکید کرده‌اند. از جمله تشکل‌های مختلف معلمان، تشکلهای کارگری مانند شوراهای سازماندهی اعتراضات کارگران نفت، نهادهای پرستاران و پزشکان، نهادهای علیه اعدام، نهادهای دادخواه و خانواده‌های دادخواه، بازنشستگان، هنرمندان و سینماگران، وکلا، فعالان حقوق زنان، کانون نویسندگان ایران و فعالان سیاسی و چهره‌های شناخته‌شده کارگری و اجتماعی طی بیانیه‌های پرشوری ضمن اعلام اعتراض خود به کشتار وحشیانه معترضین در دیماه بر محاکمه سران این حکومت و تداوم اعتراض انقلابی خود تأکید کرده‌اند.

بنا بر گزارشات مجموع رخدادهای اعتراضی ثبت‌شده مردمی در دیماه ۶۶۶ مورد در ۲۰۹ شهر و ۳۱ استان اعلام شده است. در جریان نسل کشی ای که حکومت برای عقب زدن انقلابی که میرفت بساطش را جارو کند، براه انداخت از کشته شدن دهها هزار نفر و دستگیری بیش از ۵۰ هزار نفر خبر داده‌اند. محاکمه سران حکومت به دلیل جنایاتشان و بایکوت جهانی این رژیم، از مطالبات فوری جمعیت میلیونی دادخواهان ایران است.

اوضاع انقلابی جامعه بدنبال جنایت بیسابقه حکومت در دیماه، نشانگر عزم جزم جامعه برای پایان دادن به جهنم جمهوری اسلامی است.

تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی در چند شهر و اخباری دیگر

بازداشت های وسیع در نفت

طبق گزارشات منتشر شده از سوی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران رسمی و شورای کارگران پیمانی نفت هم اکنون تعدادی از کارگران شاغل در مناطق مختلف صنعت نفت از جمله در مناطق عسلویه، کنگان، دیر، لامرد و پارسیان در زندانند. برخی از این دستگیریه‌ها بدنبال شناسایی در خانه ها و خوابگاههای شرکتی صورت گرفته است. شماری از بازداشت شدگان در جریان اعتراضات صدها کارگر پروژه ای شرکت عمران ساحل، پیمانکار زیر مجموعه سپاه در پروژه های اجرایی منطقه اقتصادی پارس جنوبی که بخاطر پرداخت نشدن حقوق معوقه خود در دیماه دست به اعتصاب زده و از اعتراضات مردمی اعلام حمایت کرده بودند، دستگیر شده‌اند. بعلاوه در برخی از شرکت‌های منطقه با کارگرانی که مورد شناسایی شده‌اند، برخورد امنیتی شده و شماری بازداشت موقت شده‌اند. بر اساس این گزارشات از ماه گذشته تا کنون حدود سی کارگر پروژه ای دارای مهارت با پا در میانی و انتخاب مدیران شرکت عمران ساحل با پرداخت وثیقه های سنگین آزاد شده‌اند. اما باقی دستگیر شدگان بدون حق ملاقات و تماس با خانواده های خود در یک سوله، متعلق به قرارگاه خاتم الانبیا نگهداری میشوند و برخی از کارگران بازداشتی با پرونده سازی های امنیتی به زندانهای بوشهر و شیراز منتقل گردیده‌اند. بعلاوه تعدادی از کارگران شاغل در پتروشیمی نگین مکران، پالایشگاه گاز فجر جم و شرکت پتروپالایش کنگان نیز که در روزهای ۸، ۹ و ۱۷ دی‌ماه در اعتراض به شرایط معیشتی و دستمزدهای معوقه در اعتصاب بودند، احضار و یا بازداشت موقت شده‌اند.

شوراهای سازماندهی اعتراضات کارگران ارکان ثالث و پیمانی نفت در گزارشات منتشر شده خود ضمن تأکید بر آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران بازداشت شده هشدار داده‌اند که در صورت تداوم کشتارها و ادامه بازداشت همکاران خود از ابزار متفاوت اعتراضی خود به ویژه اعتصاب و تعطیلی کامل مراکز بهره خواهند گرفت.

حزب کمونیست کارگری در حمایت از اعتراض این دو تشکل کارگران نفت بر آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی کارگران بازداشتی و همه دستگیر شدگان دیماه تأکید دارد و برای آن تلاش میکند.

ادامه اعتصاب کارگران پالایشگاه پارس جنوبی در پنجمین روز

روز گذشته نوزده بهمن اعتصاب کارگران پیمانکاری شاغل در پالایشگاه شماره ۱۰ پارس جنوبی (عسلویه) وارد پنجمین روز خود شد. اعتراض این کارگران به حذف اضافه‌کاری از محاسبه حقوق، کاهش دستمزد واقعی، شرایط نامناسب خوابگاه‌ها، بحران مسکن و پاسخ نگرفتن مطالباتشان است. این اعتراضات در ادامه موج اعتراضات علیه معضلات معیشتی در دیماه و خیزشهای مردم برپا شده است.

تا لغو حکم اعدام، ایستاده ایم تا پایان

روز گذشته ۱۹ بهمن علاوه بر بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش، در رشت نیز این بازنشستگان تجمع داشتند و با فریاد "تا لغو حکم اعدام، ایستاده ایم تا پایان"، و "معترض زندانی آزاد باید گردد" عزم راسخ خود را برای مقابله با کشتار و سرکوب حکومت و ادامه اعتراضات خود اعلام داشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ بهمن ۱۴۰۴، ۹ فوریه ۲۰۲۶



"تا همیشه زن زندگی آزادی"

یاشار سهندی

یکماه از فاجعه ای که جمهوری اسلامی با کشتن بیش از سی هزار نفر بر سر جامعه آوار کرد گذشت. جمهوری اسلامی در این فاصله به هر روش ممکن، از رهبر در مانده تا آن مجری تلویزیونی بی وجدان (این البته کمترین صفتی که میشود از او یاد کرد) تا فلان تحلیل گر که خودش را یک پا صاحب نظر میدانند و از یک مثقال تا کیلو کیلو برای نگه داری این دستگاه خونریز حرف مفت تولید میکند؛ تا آن استاد دانشگاهی که فرموده بودند برای دفاع از جمهوری اسلامی اگر لازم باشد اسلحه بدست بگیرد، تا تمامی کاربدستان حکومت که در قتل و عام دی ماه نقش داشتند، در این یکماه با همه توانشان در تلاش بودند بر زخم عمیقی که بر جامعه زده اند نمک بپاشند. تا شاید به خود بیاوراند که جامعه را به عقب رانده اند.

در سوی دیگر جریان ضد انقلابی سلطنتی، لپنهای کراواتی و ادوکلن زده، سعی کردند از کشتاری که جمهوری اسلامی براه انداخت برای ولیعهد سابق اعتباری فراهم کنند و در عین حال به بورژوازی ثابت کنند که ایشان میتوانند دستگاه سرکوب را تحویل بگیرند. این جریان در یک ماه گذشته حملات لفظی خود را علیه "چپ" به شدت افزایش داده است. این البته بی جهت هم نیست چون میدانند اربابان ایشان به آن نیروی ضد انقلابی نمره قبولی میدهند که توان خود را در سرکوب چپ و کمونیسم نشان دهد. ایشان با تمام توان در تلاش بودند، انقلابی که ثمره حضور وسیع اجتماعی چپ و کمونیسم در ایران است یعنی انقلاب زن زندگی آزادی را با شیر و خورشید و شمشیر بُران خفه سازند. ایشان میخواهند به بورژوازی بقبولانند کاری که جمهوری اسلامی نتوانست ایشان میتوانند به سرانجام برسانند.

سه سال پیش که انقلاب زن زندگی آزادی در پی قیامهای ۹۶ و ۹ و در پی مرگ دردناک مهسا (ژینا) امنیتی شکل گرفت، نه تنها جمهوری اسلامی را به عقب راند بلکه کل بورژوازی را آچمز کرد. انقلاب زن زندگی آزادی برآمد توده ای چپ بود که در شعار آن خلاصه شد.

انقلابی به تمام معنا زیرا که با وجود کشتار نیکاه و ساریناها و مهرشادها، که یکباره از دل سیاهی ای که جمهوری اسلامی بر جامعه تحمیل کرده بود شکفت. این شکفتن را در هنرهایی مانند تاتر و موسیقی و نقاشی و گرافیک و فیلم خود را به نمایش گذاشت و بیشتر و مهمتر از اینها، که در واقع این هنرها بر بستر آن خودنمایی کردند، همبستگی انسانی بود که جامعه از خود نشان داد و همه دنیا را تحت تاثیر خود قرار داد. همه نشانههای تبعیض از جنسیت و قومیت و نابرابری اجتماعی به نقد کشیده شد، نه در تنها در اندیشه، بلکه در کف خیابان و با شعارهایی که کرامت و منزلت انسانی را بیان میکرد.

بورژوازی مجبور شد تمکین کند. زبان به کام بگیرد و در مزمت انقلاب دیگر چیزی نگوید، بلکه فشار تا آن حد بود که مجبور شدند شعار زن زندگی آزادی را به زبان بیاورند. شکل تظاهر خیابانی انقلاب به واسطه سرکوب بی امان فروکش کرد، اما اعتراضات کارگران و معلمان و دانشنگاران اکنون بر بستر انقلاب زن زندگی آزادی خودش را معرفی میکرد، ادامه یافت؛ در عین حالی که مبارزات به شکل بی حجابی وسیع و برگزاری کنسرت خواننده زن، مقاومت و مبارزه کم نظیر زندانیان سیاسی، اعتراض بی نظیر زندانیان عادی علیه اعدام در پی فراگیر شدن جنبش نه به اعدام، اعتصاب وسیع کامیونداران و ... تداوم یافت. با وقوع جنگ ۱۲ روزه یک سکنه کوتاه در اعتراضات رخ داد، اما بعد با تمام توان، اعتراضات که در مواردی به تظاهرات وسیع کارگران نفت منجر شد، به کف خیابانها برگشت.

شروع دور جدید تظاهرات های توده ای در پی سقوط ریال در برابر دلار که

مساوی عمیق تر شدن فقر و مصیبت بود در هفت دی ماه شکل گرفت و به سرعت همه کشور را فرا گرفت. جمهوری اسلامی این بار در ابتدا به سرکوب مستقیم به شکل تیراندازی به سوی مردم روی نیاورد. به تجربه یکماه قبلتر در مشهد، در مراسم یاد بود زنده یاد خسرو علیکردی که توسط جمهوری اسلامی به قتل رسیده بود، جمهوری اسلامی توانسته بود با شعار جاوید شاه مراسم را بهم بزند و بسیاری را مانند نرگس محمدی و سپیده قلیان با ضرب و شتم شدید بازداشت کند، از همان شروع اعتراضات دور جدید شعار جاوید شاه قرار بود به مدد حکومت بیاید تا سنگی بر سر راه مرحله جدید انقلاب باشد، تا انقلاب زن زندگی آزادی را محو کرده باشد.

شاه پرستان همانگونه که از سرکوب مراسم فوق توسط شعار جاوید شاه ابراز رضایت کرده بودند، اینبار هم با ابراز رضایت شدید و اینکه با اطمینان میدانستند که جاسوسان موساد هم نقش دارند و با یاری رسانه های پولدار، به مدد قلب واقعیت و بزرگ نمایی بسیار وسیع از شعارهایی که تنها به یک جریان ضد انقلابی دیگر اعتبار می بخشید، سعی کردند بر چهره انقلاب زن زندگی آزادی خط عمیقی بیندازند.

در یکماه گذشته جامعه در شوک هولناک بعد از قتل عام در دو شب ۱۸ و ۱۹ دی ماه بسر میرد. مردم معترض از یک سو با گلوله مستقیم حکومت اسلامی روبرو بوده، که هر کسی که در خیابان بود هدف شلیک محسوب میشد. و هنوز کماکان جمعیت بسیار بزرگی در بازداشت حکومت هستند که از سرنوشت آنها هیچ خبری نیست؛ و از سوی دیگر با نیروی ضد انقلابی در اپوزیسیون روبرو است که همسو با حکومت اسلامی، هر شعار و خواسته ای که بیانی از درد مشترک و انسانی جامعه است مورد حمله قرار داده است. در خارج از کشور این نیروی ضد انقلابی مخالفین سلطنت را با مشت و لگد و میله پرچم شیرو خورشید نشان، مورد حمله فیزیکی قرار میدهد. در داخل فعلا سلاح در دست رقیب ایشان در سرکوب، یعنی جمهوری اسلامی است، ایشان در آرزوی اینکه نیروهای سرکوب به فرمان ایشان باشد پُرپر میزنند.

ظاهرا قرار است همه چیزهایی که بعد از سقوط جمهوری اسلامی انتظارش را داشتیم به وقوع بپیوندد در زمان حیات این حکومت تبهکار شاهد رخ دادن آن هستیم. حمله همه جانبه علیه انقلاب زن زندگی آزادی از سوی ضد انقلاب سلطنتی موضوعی که انتظارش میرفت، اما نه در زمان حیات جمهوری اسلامی.

آن چه اما در این میان مهم است پر توان ساختن انقلاب زن زندگی آزادی است. بورژوازی خوب میدانند که در پشت این شعار چه طوفان عظیمی خوابیده است. برای همین هنوز روی توان جمهوری اسلامی در سرکوب حساب میکنند. میدانند شاهزاده پفکی به ضرب رسانه ها بزرگ شده. بورژوازی در ضد انقلاب سلطنتی هنوز این توان را نمی یابد که بتواند انقلاب را در هم بکوبد. مشاهده میکند بخش اعظم اپوزیسیون به طبع آن جامعه مخالف ژن برتر سلطنتی هستند. بورژوازی از دهان وزیر خارجه امریکا حرف دلش را میزند که به صراحت بیان کرده است: دنبال آلترناتیو از داخل حکومت اسلامی هستند که چیزی از هم نپاشد.

همه وعده های ترامپ برای "رسیدن کمک به مردم ایران" پوچ از کار درآمده



یک اقدام دیگر امروز مردم دادخواه ایران نصب پوسترهای یادبود جانباختگان دی‌ماه است. از جمله شامگاه دیروز در تهران فعالان و آزادی‌خواهان در محله‌های مختلف تهران، از جمله نازی‌آباد و میدان نارمک، اقدام به نصب پوسترهای یادبود جانباختگان اعتراضات دی‌ماه روی دیوارها و معابر عمومی کردند. این اقدام نمادی از همبستگی با خانواده‌های دادخواه و یادآوری قربانیان سرکوب حکومت است.

همبستگی‌ها با مردم ایران و در محکومیت سرکوبگرهای جنایتکارانه جمهوری اسلامی ادامه دارد. سازمان نظام پزشکی آلمان طی بیانیه‌ای خواستار آزادی فوری پزشکان و کادر درمانی شد که در ایران به دلیل انجام وظیفه شغلی خود در درمان مجروحان اعتراضات دستگیر و بازداشت شده‌اند. در این بیانیه کلاوس راینهارت مدیر این سازمان از مقامات ایران خواستار ایجاد فوری شرایط امن برای درمان مجروحان و آزادی پزشکان و دیگر پرسنل درمانی که بازداشت شده‌اند شد.

آخرین خبر اینکه روز گذشته سیزدهم بهمن کشور انگلیس با به‌روزرسانی فهرست تحریم‌های خود، ۱۰ فرد و یک نهاد امنیتی رژیم ایران از جمله وزیر کشور، فرماندهی نیروی انتظامی و بابک زنجانی را به دلیل «نقض‌های جدی حقوق بشر» در فهرست تحریم قرار داد. این تحریم‌ها شامل مسدودسازی دارایی‌ها، ممنوعیت سفر و محرومیت از تصدی سمت‌های مدیریتی می‌شود. در میان تحریم‌شدگان، اسکندر مومنی (وزیر کشور)، محمدرضا هاشمی‌فر (سرکرده انتظامی استان لرستان)، محمد قنبری، یدالله بوعلی (سرکرده سپاه فجر فارس) و «فرماندهی انتظامی رژیم» «دیده می‌شوند. لندن پیش‌تر هشدار داده بود که در صورت تداوم نقض حقوق بشر، تحریم‌ها علیه رژیم ایران تشدید خواهد شد. خیزش دیمه آنچنان بازتابی در سطح جهان داشته و بدنبال کشتار ددمنشانه حکومت یک تاکید بیانیه‌های اعتراضی نهادها و تشکلهای کارگری و اجتماعی بر همبستگی جهانی با مبارزات مردم در ایران است. زیر فشار خیزش دیمه لحن دولت‌ها را تغییر و به واکنش‌هایی واداشته است. از سوی اتحادیه اروپا سپاه در لیست تروریسم جهانی قرار گرفت و تحریم سران این حکومت در کشور انگلیس اقدامی دیگر در این راستاست. تاکید ما قرار گرفتن تمام سران حکومت اسلامی در لیست تروریسم و بایکوت جهانی جمهوری اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۴ بهمن ۱۴۰۴، ۳ فوریه ۲۰۲۶

اعتراضات گسترده در دانشگاه‌ها و اخباری دیگر

اعتراضات در دانشگاه‌ها گسترش می‌یابد. امروز چهاردهم بهمن ماه دانشجویان داروسازی دانشکده دندانپزشکی تبریز دست به تجمع اعتراضی و تحصن زدند. این دانشجویان همچنین یادبودی برای دانشجویان کشته‌شده برگزار کردند و خواستار آزادی دانشجویان بازداشت‌شده از جمله دانشجویان دانشگاه تبریز شدند.

در این روز انجمن دانشجویان دانشکده دندانپزشکی دانشگاه تبریز، دست به تجمع اعتراضی و تحصن زدند. بر اساس گزارشات در پی این تجمع؛ دانشجویان یادبودی برای دانشجویان کشته‌شده برگزار کردند و بر آزادی دانشجویان و بازداشت‌شدگان تاکید کردند. دانشجویان شعار میدادند: «دانشجوی می‌برد ذلت نمی‌پذیرد».

امروز همچنین دانشجویان دانشگاه آزاد مشهد روبروی حراست دانشکده پرستاری و مامایی تجمع کردند و شعارها اعتراضی خود را فریاد زدند. در این تجمع که ساعت ۱۱ امروز سه‌شنبه برگزار شد و یاد فائزه حسین نژاد دانشجوی این دانشکده را گرامی داشتند. فائزه حسین نژاد دانشجوی ورودی ۱۴۰۲ در روز ۱۹ دی در جریان خیزش مردم مشهد در حالیکه نیروی بسیج و نیروی انتظامی حضور داشتند، به دست سرکوبگران جمهوری اسلامی کشته شد.

در این هفته در روز یکشنبه بازنشستگان تامين اجتماعی نیز تجمعات اعتراضی خود را با بلند کردن فریاد دادخواهی علیه کشتار رژیم برپا کردند و این تجمعات علاوه بر رشت و شوش که قبلاً گزارش شد در اهواز و تهران نیز برگزار شدند.

خبر دیگر اینکه روز سیزدهم بهمن ماه خانواده‌های جانباختگان اعتراضات مردمی دیمه در شهرستان ملکشاهی استان ایلام طی بیانیه‌ای خواستار روشن شدن حقیقت و پاسخگویی آمران و عاملان تیراندازی شدند.

در این بیانیه که به امضای جمعی از خانواده‌ها رسیده، آمده است: «تیراندازی به شهروندان معترض و جان‌باختن لطیف کریمی، محمدرضا کرمی، مهدی امامی‌پور، رضا عظیم‌زاده و محسن (فارص) محمدی، از داخل ساختمان سپاه ملکشاهی صورت گرفته و این موضوع با اسناد، تصاویر و شواهد موجود «مسجل و غیرقابل انکار» است.

خانواده‌ها نوشتند: «خونخواه هستیم و تمام فرماندهان سپاه در لحظه تیراندازی در داخل ساختمان حضور و مسئولیت داشته‌اند، به‌ویژه فرمانده سپاه ملکشاهی به نام رسول مرادیان را مسئول می‌دانیم».

خانواده‌های دادخواه تاکید کرده‌اند هدفشان دستیابی به حقیقت و اجرای عدالت از مسیرهای قانونی است و در صورت ایجاد مانع در روند رسیدگی داخلی، پیگیری پرونده را از مجاری حقوقی و بین‌المللی ادامه خواهند داد. امضاکنندگان این بیانیه عبارتند از: عماد کریمی، میثم آقامحمدی، حاج حیدر امامی‌پور، جبار عظیم‌زاده، و جبار کرمی انگلستان ۱۰ مقام و یک نهاد رژیم ایران را به دلیل نقض حقوق بشر تحریم کرد.

از صفحه ۴

تا همیشه زن زندگی آزادی ...

که سگ زنجیری امپریالیسم است، بلکه انقلابی علیه تبعیض، برای کرامت انسانی، برای آزادی؛ و این یعنی زنده باد سوسیالیسم. انقلاب زن زندگی آزادی نوید همه اینها هست. انقلابی که در بستر یک رنسانس عظیم اجتماعی، این بار علیه بورژوازی شکل گرفته است.

جمهوری اسلامی را باید با شعار زن زندگی آزادی سرنگون کرد و جریان ضد انقلابی سلطنتی تنها با عمیق‌تر کردن مطالبات انسانی جامعه می‌توان به عقب راند و ساکت کرد، مطالباتی که انقلاب زن زندگی آزادی بر مبنای آن شکل گرفته است.

"تا همیشه زن زندگی آزادی" آخرین پیام یکی از جانهای شریف، رها بهلولی است که جمهوری اسلامی با بیرحمی او را کشت. و این باید مهمترین دستور کار ما باشد.

است. باید هم اینگونه میشد. انتظار کمک به ما مردم ایران از سوی کسی که عمیقاً از توده مردم به هر رنگ و زبانی متنفر است، توهم خطرناکی است که ضد انقلاب سلطنتی آنرا باد می‌زند. و این امر هم تنها از یک نیروی ضد بشری ساخته است، که برای "ایران آباد" بیش و مهمتر از هر چیز خودش را نیازمند دستگاه سرکوبی با تجربه ساواک و همه توان امنیتی جمهوری اسلامی میدانند.

بعد از فروپاشی شوروی بورژوازی پایان عصر امید و انقلاب و تغییر را اعلام کرده بود. اکنون در گوشه‌ای از این جهان، در ایران، انقلابی شکل گرفته که نوید بخش شروع عصر جدیدی از امید و انقلاب و تغییر است. و انقلاب نه برای توسعه سرمایه داری و یا ریسیدن پشم بز توسط دستگاه سنتی پشم ریزی، یا علیه دیکتاتور



جمهوری اسلامی؛ محصول چپ یا استبداد و اسلام‌پناهی پهلوی؟ - حسن صالحی

ممنوعیت روزه‌خواری در ملاءعام، اجرای نماز اجباری در برخی مدارس پس از کودتای ۱۳۳۲ و ساخت مسجد دانشگاه تهران. شاه همچنین روابط

نزدیکی با شماری از مراجع مذهبی داشت و برخی روحانیون در تحولات سیاسی دهه ۳۰ در حمایت از حکومت نقش ایفا کردند. تأسیس «سپاه دین» (با هدف ترویج شعائر مذهبی نیز نمونه‌ای دیگر از این رویکرد بود.

نگاه رسمی حکومت به مسائل اجتماعی نیز اغلب با ارجاع به اسلام توجیه می‌شد. برای نمونه، قانون حمایت از خانواده ۱۳۴۶ بر مبنای برداشت‌های دینی تنظیم شده بود. همچنین حکومت هزینه‌های قابل توجهی صرف گسترش و شکوه اماکن مذهبی می‌کرد و حتی برنامه‌هایی مانند انقلاب سفید نیز با ارجاع به تعالیم اسلامی مشروعیت‌بخشی می‌شدند. شواهدی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد برخی روحانیون از نهادهای وابسته به حکومت کمک‌های مالی دریافت می‌کردند.

این رویکرد نظام پهلوی به خاطر خنثی کردن بخش به اصطلاح تندرو اسلام‌گست‌ها نبود بلکه رویکرد حکومتی بود که از مذهب در کنار دستگاه سرکوبش برای فریب مردم و الهی جلوه دادن حاکمیت ستمگرانه اش استفاده می‌کرد. به هر میزان که حکومت پهلوی به اسلام‌گست‌ها باج می‌داد به همان اندازه نیز از آنها برای تحمیل و تخدیر اذهان مردم بهره می‌جست تا حکومتش را دوام دهند. رویکردی که نتایج آن نشان می‌دهد که در نهایت به ضد خود رژیم پهلوی منجر شد.

خلاصه کنیم. شکل‌گیری جمهوری اسلامی را نمی‌توان به جریان چپ نسبت داد، بلکه باید آن را حاصل ترکیب استبداد سیاسی، سرکوب نیروهای سکولار و تقویت ساختارهای مذهبی در دوران پهلوی دانست؛ روندی که در نهایت زمینه قدرت‌گیری اسلام سیاسی و رهبری خمینی را فراهم کرد.

در فضای مجازی، برخی از طرفداران پادشاهی این ادعای عجیب را مطرح کرده‌اند که جمهوری اسلامی محصول جریان چپ است. این ادعا قبل از اینکه حامل حقیقتی باشد بیانگر یک دشمنی دیرینه و طبقاتی نیروهای راست با چپ برای حذف این نیروی اجتماعی است. من ضمن رد قاطعانه این ادعای کذب معتقد هستم که جمهوری اسلامی نه محصول چپ، بلکه نتیجه استبداد سیاسی و سیاست‌های مذهبی حکومت پهلوی بوده است.

اگر در دوران محمدرضا پهلوی فضای سیاسی باز بود، احزاب و فعالیت‌های سیاسی سرکوب نمی‌شدند و نیروهای آزادی‌خواه و سکولار امکان فعالیت و نقد اجتماعی و مذهبی را داشتند، زمینه رشد جریان‌های اسلامی تا این اندازه فراهم نمی‌شد. انسداد سیاسی و سرکوب مخالفان، جامعه را به سمت سنت‌گرایی و خرافه‌گرایی سوق داد و امکان نقد عمومی مذهب را از میان برد. در چنین شرایطی، جریان‌های مذهبی توانستند بدون چالش جدی گسترش یابند و در نهایت به نیرویی تعیین‌کننده در تحولات سیاسی بدل شوند.

برای فهم مسئله اسلام‌پناهی - یا دقیق‌تر، اسلام‌پروری - در حکومت پهلوی باید توجه داشت که موضوع تنها به باورهای شخصی و گاه خرافاتی شاه محدود نمی‌شود، هرچند نقل روایت‌هایی درباره نجات‌های معجزه‌آسا یا ارتباطات مذهبی نشان‌دهنده نوعی نگاه مشترک با روایت‌های مذهبی رایج آن دوران است. مسئله مهم‌تر، جایگاه سیاسی و اجتماعی مذهب در ساختار حکومت بود. محمدرضا پهلوی با وجود تأکید بر تجدد، اسلام را عامل پیشرفت جامعه ایران می‌دانست و بارها تلاش‌های سیاسی و اجتماعی حکومت خود را منطبق با تعالیم اسلام معرفی می‌کرد.

در دوره او، سیاست‌هایی در جهت تقویت حضور مذهب در عرصه عمومی دنبال شد؛ از جمله تصویب و اجرای تدریس اجباری متون مذهبی در مدارس،



تجمعات اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی در چند شهر و اخباری دیگر

ایستاده‌ایم تا پایان"، و "دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد".

روز گذشته جمعی از کسبه بازار جنت نیز در اعتراض به وضعیت پس از

آتش‌سوزی و بلاتکلیفی محل کسب‌شان، مقابل شرکت ساماندهی شهرداری تجمع کردند. کسبه بازار جنت با گفتن اینکه سرمایه چندین ساله کارشان در بیست دقیقه آتش سوخت و با مشکلات سخت معیشتی و کاری روبرو هستند.

آخرین خبر مربوط به عبدالله رضایی معلم و عضو هیات مدیره انجمن فرهنگیان هرسین است. بنا بر خبر منتشر شده از سوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان او بیش از یک ماه است در زندان است و علیرغم اینکه دادستانی با پایان دوره بازداشت موقت وی قرار وثیقه برای او صادر کرده است اما نیروهای امنیتی از آزادی عبدالله رضایی جلوگیری کرده‌اند. طبق همین خبر عبدالله رضایی از زمان بازداشت تا کنون تنها یک بار تماس کوتاهی با خانواده داشته است و بنا بر شواهد نگران‌کننده او تحت فشارهای شدید قرار دارد و بیم آن می‌رود که در معرض شکنجه، پرونده سازی و اجبار به اخذ اعترافات اجباری باشد. حزب کمونیست کارگری بر آزادی فوری و بدون قید و شرط عبدالله رضایی و همه بازداشت شدگان دیمه و زندانیان سیاسی تأکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۹ بهمن ۱۴۰۴، ۸ فوریه ۲۰۲۶

امروز یکشنبه نوزدهم بهمن ماه بازنشستگان تامین اجتماعی بار دیگر در شهر شوش به خیابان آمدند و با فریاد شعارهایشان علیه بساط چپاول و رانت خواری حاکم و فقر معیشتی صدای اعتراض خود را بلند کردند. این بازنشستگان از هفت تپه، کرخه و شوش مقابل تامین اجتماعی جمع شده و دست به راهپیمایی زدند. در ابتدای این حرکت اعتراضی بازنشستگان به احترام جانبازان اعتراضات اخیر یک دقیقه سکوت کردند. بازنشستگان معترض شعار میدادند: "فقط کف خیابون به دست می‌آید حقمون"، "جنگ افروزی کافیه، سفره ی ما خالیه"، "کشور پر در آمد چه بر سر تو آمد"، "بیمارستان ملکی حق مسلم ماست"، "نه مجلس نه دولت نیستند به فکر ملت"، "هزینه ها دلاریه، حقوق ما ریالیه"، "معیشت منزلت حق مسلم ماست"، "بازنشسته داد بزن حقو فریاد بزن ماست"، و "حقوق بازنشسته فقط واسه یک هفته".

صبح امروز همچنین شماری از کارکنان دفاتر تعاونی‌های شهرستانی سهام عدالت از شهرهای مختلف کشور مقابل ساختمان وزارت امور اقتصادی و دارایی در میدان خمینی تهران دست به تجمع زدند. بنا بر گزارشات این کارکنان نزدیک به ۱۹ سال در دفاتر سهام عدالت کار کرده‌اند و بیش از سه سال است که هیچ حقوقی دریافت نکرده‌اند و وضعیت شغلی و بیمه‌ای آن‌ها بلا تکلیف مانده است.

همچنین اعتراضات در دانشگاه‌ها علیه جنایات حکومت و برای آزادی بازداشت شدگان ادامه دارد و روز گذشته هجدهم بهمن ماه دانشجویان در دانشگاه شیراز برای ششمین روز تجمع داشتند. دانشجویان شعار می‌دادند: "قسم به خون یاران،



کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام در هفته صد و ششم در ۵۶ زندان و اخباری دیگر

خواسته تمام مردم آزادی‌خواه و برابری‌طلب ایران نیز بوده است." همزمان با صدوششمین هفته کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام، خانواده‌های زندانیان سیاسی وحید بنی‌عامریان و پویا قبادی نیز مثل هفته‌های گذشته با در دست گرفتن تصاویر و پلاکاردهایی، از این کارزار حمایت کردند. کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام صدای دادخواهی مردم ایران است. از این کارزار وسیعاً حمایت کنیم.

اعتراضات در دانشگاه‌ها ادامه دارد و بیش از سی دانشگاه تا کنون با تحریم امتحانات آخر سال در اعتراض به نسل‌کشی جنایتکارانه حکومت در سطح سراسری در اعتراضند و این کارزار در دانشگاه‌هایی شکل تجمعات اعتراضی بخود گرفته است. روز گذشته سیزدهم بهمن ماه تجمع اعتراضی و تحصن دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز برای دومین روز پیاپی ادامه یافت. و دانشجویان معترض با حضور مقابل محل‌های آموزشی و سالن‌های دانشگاه، ضمن خودداری از بازگشت به روال عادی و فریاد شعارهای "قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان"، "دانشجو میمیرد ذلت نمیپذیرد"، "دانشجو زندانی آزاد باید گردد" به اعتراضشان ادامه دادند. دانشجویان همچنین به بازداشت دانشجویان و کادر درمان و تداوم فشارهای امنیتی علیه فضای دانشگاه و جنایتکاریهای حکومت شدیداً اعتراض دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ بهمن ۱۴۰۴، ۳ فوریه ۲۰۲۶

امروز سه‌شنبه چهاردهم بهمن ماه کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام هفته صد و ششم خود را در ۵۶ زندان کشور پشت سر گذاشت. در بخشی از بیانیه هفتگی این کارزار چنین آمده است: "با گذشت بیش از سه هفته از کشتار وحشیانه مردم در کوی و برزن و خیابان‌های ایران و بازداشت ده‌ها هزار شهروند بی‌پناه، همچنان ا فشار وسیعی از مردم ایران در بی‌خبری کامل از سرنوشت و وضعیت عزیزانشان بسر می‌برند. این اقدامات حکومت سرکوبگر، مصداق قتل حکومتی و ناپدیدسازی قهری و مسئول اصلی آن ولی فقیه است. بسیاری از بازداشتی‌ها، بدون حق دادرسی منصفانه مخفیانه محاکمه و در خطر احکام سنگین و اعدام قرار دارند. نهادهای امنیتی بسیاری از وکلای مستقل را تهدید کرده‌اند که حق ندارند وکالت بازداشتی‌های قیام دی ماه را به عهده بگیرند.

ما اعضای کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» از تمام خانواده بازداشتی‌ها و جانباختگان می‌خواهیم که صدایشان را بلند کرده و اسامی عزیزانشان را رسانه‌ای و منتشر کنند و از تمامی مردم شرافتمند و فعالان حقوق بشر، صنفی، مدنی و سیاسی می‌خواهیم بیش از همیشه صدای زندانیان و بازداشتی‌های اخیر باشند. حکومت مستبد بی‌پروا و بطور هستریک در حال اعدام است به طوری که در بهمن ماه تاکنون ۱۲۳ تن و از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا امروز نیز بیش از ۲۳۵۰ تن را به دار آویخته است. اعتراض به حق مردم ایران و هزاران گل‌پرور شده از دختران و پسران و کودکانی که با تیر و تبر سرکوبگران فاشیست مذهبی حاکم خونشان به ناحق ریخته شده، در نهایت باعث شد که عامل اصلی این جنایت یعنی سپاه پاسداران توسط اتحادیه اروپا در لیست تروریستی قرار بگیرد که یک قدم بزرگ در مبارزات مردم ایران است. امری که نه تنها خواسته اعضای این کارزار و همه زندانیان سیاسی بلکه از سال‌ها پیش

اعتصاب دو روزه کارگران پالایشگاه عسلویه، مراسم‌های گرامیداشت جانباختگان، ادامه اعتراضات دانشگاه‌ها، و اخباری دیگر

اعتصاب دو روزه کارگران پالایشگاه عسلویه

در دانشگاه‌های فردوسی مشهد، شیراز، تبریز، و جندی شاپور اهواز برگزار شده است. در همین راستا امروز هفدهم بهمن ماه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران نیز دست به تجمع زدند. طبق گزارشات نیروهای حراست با خشونت تحصن دانشجویان را متفرق کردند و دانشجویان اعلام کرده‌اند که هنگام اعتراض و همدردی با قربانیان، مأموران به آنان گفته‌اند: «سر خاکشان همدردی کنید!»

اعتراضات دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز ادامه دارد و در روز گذشته در این دانشگاه دانشجویان برای پنجمین روز متوانی در اعتراض به جنایات جمهوری اسلامی دست به اعتراض زدند و نام و یاد هم‌کلاسی‌های کشته‌شده‌شان را گرامی داشتند. طبق گزارشات حداقل ۸۶ دانشجو در اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴ کشته شده‌اند. در این حرکت اعتراضات دانشجویان شعار میدادند: "دانشجوی زندانی آزاد باید گردد"، "سعید جوانبخت آزاد باید گردد"، و "دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد". بنا به یک گزارش دیگر سعید جوانبخت اینترن پزشکی شیراز به علت امداد رسانی به مجروحان دستگیر و در زندان به سر می‌برد. آخرین خبر اینکه ۴۸ نفر از وکلای دادگستری در بیانیه‌ای اعلام کردند که در دفاع از حقوق مردم لحظه‌ای درنگ نخواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۷ بهمن ۱۴۰۴، ۶ فوریه ۲۰۲۶

طبق گزارشات منتشر شده طی روزهای پانزدهم و شانزدهم بهمن ماه کارگران پالایشگاه شماره ده عسلویه در مجموعه پارس جنوبی در اعتراض به حذف اضافه کاری‌ها و ازدحام خوابگاه‌ها دست به اعتصاب زدند. طبق گزارشات بخشی از اضافه کاری‌های ثبت شده این کارگران حذف شده و از سوی دیگر شمار افراد ساکن در اطاق‌های خوابگاه افزایش یافته و موجب سلب آسایش و بدتر شدن وضع بهداشتی محیط زیست کارگران شده است. پالایشگاه عسلویه یکی از کانون‌های داغ اعتراضی در مراکز نفتی است.

مراسم‌های گرامیداشت جانباختگان محل دادخواهی مردم

روز ۱۶ بهمن مراسم گرامیداشت ابوالفضل حیدری که در جریان اعتراضات سراسری در روز ۱۸ دی‌ماه توسط سرکوبگران به قتل رسید، با حضور خانواده، بستگان و جمع کثیری از مردم بر سر مزار وی برگزار شد و خانواده او و شرکت کنندگان نسبت به قاتلان عزیزان مردم ابراز انرجار کردند. مراسم‌های گرامیداشت به محل دادخواهی جمعیت میلیونی مردم علیه کشتارهای ددمنشانه حکومت با تاکید بر محاکمه سران حکومت بخاطر جنایتکاری‌هایشان تبدیل شده است.

دانشگاه‌ها یک سنگر مهم انقلاب

اعتراضات در دانشگاه‌ها سراسری شده و دانشگاه‌ها بعنوان یک سنگر مهم انقلاب به محل اعتراضات گسترده علیه جنایات جمهوری اسلامی و محاکمه سران حکومت تبدیل گردیده‌اند. این اعتراضات علاوه بر تحریم امتحانات آخر سال علیه جنایات جمهوری اسلامی و تداوم کشتارها شکل تجمعات اعتراضی در دانشگاه‌های مختلف به خود را گرفته است. از جمله در این مدت تجمعات بزرگی



ادامه همبستگی ها با مردم و در اعتراض به نسل کشی حکومت اسلامی

بیانیه شورای هماهنگی فرهنگیان و انجمن پزشکان عمومی فارس در اعتراض به جنایات حکومت



پیامهای همبستگی با مردم و اعتراضات به نسل کشی حکومت ادامه دارد. روز گذشته سیزدهم بهمن ماه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان طی بیانیه ای در محکومیت کشتار، سرکوب خونین و جنایت سازمان یافته علیه مردم معترض مینویسد:

"در یکی از خونبارترین مقاطع تاریخ معاصر ایران، هزاران نفر از شهروندان زن، مرد، کودک و نوجوان هدف خشونت قرار گرفته اند که هیچ توجیهی، حتی در چارچوب قوانین موجود، برای آن قابل تصور نیست. کشته شدن کودکان و نوجوانان، بازداشت های گسترده، ناپدیدسازی ها و اعمال فشارهای ضدانسانی در بازداشتگاه ها، نشانه های آشکار ورشکستگی سیاسی و اخلاقی حاکمیت است.

فرهنگیان ایران، به عنوان بخشی آگاه و مسئول از جامعه ی مدنی، خود نیز از قربانیان مستقیم این سرکوب بوده اند. بازداشت، تهدید، اخراج و حتی جان باختن بیش از ۱۰ معلم و ده ها دانش آموز بی گناه در جریان اعتراضات مردمی، گواه آن است که حاکمیت آموزش و آگاهی را خطری جدی برای ادامه ی بقای خود می داند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن ابراز تسلیت و همدردی عمیق با خانواده های جاوید نامان و همه ی مردم داغدار ایران، با صراحت اعلام می کند:

ما در کنار مردم معترض ایستاده ایم و خود را جزئی جدایی ناپذیر از مبارزه ی جامعه برای آزادی، عدالت اجتماعی، دموکراسی و رعایت حقوق بشر می دانیم. سکوت در برابر این حجم از خشونت، خیانت به مسئولیت تاریخی و مدنی ماست. بر این اساس، شورای هماهنگی به طور روشن اعلام می کند که:

۱. حاکمیت مسئول مستقیم کشتار و سرکوب خونین مردم است و باید به جای دروغ پراکنی و فرافکنی، پاسخگوی این جنایات در برابر افکار عمومی ایران و نهادهای مستقل بین المللی باشد.

۲. تمامی بازداشت شدگان، از جمله دانش آموزان، معلمان و فعالان صنفی و مدنی، باید فوراً و بدون هیچ قید و شرطی آزاد شوند

۳. پادگانی کردن مدارس، دانشگاه ها و فضاهای آموزشی باید بی درنگ متوقف شود، فضای آموزش، میدان جنگ نیست.

۴. از همه ی وجدان های بیدار در سراسر جهان می خواهیم که با مردم ایران اعلام همبستگی کنند و در برابر این توحش حکومتی سکوت نکنند.

تاریخ به ما آموخته است که حق در نهایت پیروز است و آنان که امروز فرمان سرکوب می دهند، در زباله دان تاریخ خواهند افتاد و البته قطعاً ناگزیر از پاسخ گویی خواهند بود.

مهم است که کدام طرف تاریخ بایستیم، طرف حق و جاودانه ماندن یا طرف مستبدان و سرکوبگران."

امروز همچنین انجمن پزشکان عمومی استان فارس طی بیانیه ای با اشاره به جانباختن تعدادی از پزشکان و کادر درمان که در جریان یورش دمنشانه حکومت به مردم معترض قهرمانانه برای نجات جان انسانها تلاش کردند اعلام حمایت کرده و نسبت به آسیب های انسانی ناشی از برخوردهای خشونت آمیز ابراز نگرانی عمیق کرده است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "گزارشها از احضار، بازداشت یا اعمال فشار بر پزشکان به دلیل انجام وظیفه حرفه ای، و نیز خدشه به آرامش و امنیت فضاهای درمانی، زنگ خطری جدی برای نظام سلامت است و میتواند اعتماد عمومی و دسترسی ایمن بیماران به درمان را به طور مستقیم تهدید کند. مراکز درمانی و کادر سلامت، بر پایه اصول انسانی و اخلاق پزشکی، حریم امن درمان و خط قرمز وجدان جمعی اند. هرگونه تعرض یا مداخله در این حریم، فارغ از شکل و شیوه آن، تهدیدی مستقیم علیه جان بیماران و سلامت جامعه تلقی میشود. " انجمن پزشکان عمومی استان فارس در بیانیه خود قاطعانه خواستار رفع فوری هرگونه فشار از پزشکان و کادر درمان، تضمین عملی امنیت حرفه ای آنان و حفظ حرمت مراکز درمانی است تا بیماران، بدون هراس و مانع، به درمان دسترسی داشته باشند. و بر سه نکته فوری تأکید کرده و مینویسد: "درمان مصدومان، در هر شرایطی، نه جرم است و نه قابل جرم انگاری. انجام وظیفه پزشکی نباید با ترس، فشار یا پیامدهای غیر حرفه ای همراه باشد، بیطرفی پزشکی و کرامت انسانی، اصولی غیرقابل مصالحه اند. " بیانیه های اعتراضی از سوی تشکلهای کارگری و اجتماعی و چهره های معترض اجتماعی صدای جامعه دادخواه ایران است. صدایی که جهانی شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ بهمن ۱۴۰۴، ۳ فوریه ۲۰۲۶

ترکمن عالم (جهت یاهست)
فرکانس ۱۰۸۴۵ - عمودی
۲۷۵۰۰
اف ای سی ۲/۳

یوتل ست
فرکانس
۱۱۳۸۷
افقی ۲۷۵۰۰

مشخصات فنی تلویزیون کانال جدید

یوتل ست، فرکانس ۱۱۳۸۷ افقی ۲۷۵۰۰

KANAL جدید
کانال جدید



فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان برای ثبت روایت کودکان جانباخته و آسیب دیده و بازداشت شده و خبری دیگر

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران تاکنون اسامی ۱۶۳ کودک و نوجوان جانباخته در جریان سرکوب روزهای ۱۸ و ۱۹ دی ماه را گردآوری و منتشر کرده است. این شورا طی بیانیه ای خطاب به خانواده های داغدیده و همکاران و مردم معترض خواستار ارسال گزارش جهت مستند سازی کامل این جنایات سازمانیافته شده است. در این بیانیه از همگان به ویژه خانواده هایی که فرزندانشان جان خود را از دست داده، دچار آسیب و جراحت شده، یا در بازداشت بوده و هستند، خواسته شده است که روایت خود را از آنچه رخ داده است از طریق کانال های ارتباطی این شورا ارسال کنند. در بخش پایانی این فراخوان چنین آمده است: "این شورا در کنار شما، دادخواه کودکان جانباخته و آسیب دیده ایستاده است. ثبت روایتهای، شکستن سکوت و مقابله با انکار رسمی است؛ تلاشی جمعی برای آن که این جنایتهای به فراموشی سپرده نشوند و حقیقت از حافظه عمومی حذف نگردد".

حزب کمونیست کارگری ایران ضمن ارج گذاشتن به این اقدام اعتراضی همگان را به همراهی با این کارزار مهم و دادخواهی علیه نسل کشی بیرحمانه حکومت فرا میخواند.

جامعه ایران دادخواه است و یک خواست مهم مردم محاکمه سران جنایتکار جمهوری اسلامی در دادگاههای بین المللی است. در این راستا شبکه وکلای «یک کلمه» اعلام کرده است که شکایتی رسمی با هدف پیگرد و محاکمه آمران و عاملان سرکوب کشتار مردم در ایران، نزد دفتر دادستان دیوان کیفری بین المللی در لاهه به ثبت رسانده است. این شکایت با اتکا به ماده ۱۵ اساسنامه رم، همراه با مجموعه ای از داده ها، شواهد و اسناد گردآوری شده انجام گرفته و این نهاد خواستار آغاز روند رسیدگی قضایی به «جنایات عوامل حکومتی در سرکوب خونین اعتراضات دی ماه ۱۴۰۴» (شده است).

در متن این شکایت آمده است که بر اساس ماده ۷ اساسنامه دیوان، رفتار نیروهای حکومتی در جریان سرکوب این اعتراضات با تعریف «جنایت علیه بشریت» (تطابق دارد. به گفته شبکه وکلای «یک کلمه»، در ایران الگویی «گسترده، سازمان یافته و سراسری» (از سرکوب مسلحانه علیه جمعیت غیر نظامی شکل گرفته که از نظر ابعاد و شدت، در تاریخ سرکوب های سیاسی کشور کم سابقه یا بی سابقه است).

این نهاد حقوقی در متن شکایت خود با استناد به گزارشات و مستندات موجود از حمله به اماکن غیر نظامی، از جمله بیمارستان ها، و نیز استفاده نظامی از آمبولانس ها و خودروهای امدادی و حتی جنایاتی چون کشتن مجروحان و ربودن بیماران و خشونت سازمان یافته که از تحقق جنایت علیه بشریت فراتر رفته سخن میگوید. این شبکه با اشاره به اینکه بخشی از مدارک ارائه شده به دیوان کیفری بین المللی تاکنون منتشر یا رسانه ای نشده از دادستان دیوان خواستار شده تا با استفاده از اختیارات خود ذیل ماده ۱۵ اساسنامه رم، بررسی مقدماتی این پرونده را آغاز کند. در پایان این

شکایت، از دادستان دیوان کیفری بین المللی درخواست شده است که با شناسایی مسئولان اصلی این جنایات، فرآیند صدور احکام بازداشت بین المللی علیه آنان را در دستور کار قرار دهد.

آخرین خبر نامه حمایتی فدراسیون معلمان آمریکا با ۱/۸ میلیون عضو به تاریخ ۱۴ بهمن ۱۴۰۴ در چارچوب همبستگی بین المللی جنبش معلمان است. در این نامه رندی واین گارتن، دبیر فدراسیون معلمان خطاب به نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل مراتب نگرانی عمیق و محکومیت قاطع خود را نسبت به خشونتهای مرگبار اعمال شده علیه مردم معترض در ایران طی هفته های اخیر اعلام کرده است. در این نامه از دولت ایران خواسته شده که بر هرگونه استفاده از زور پایان دهد، دسترسی کامل و پایدار به اینترنت را برای مردم برقرار کنند و به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در قبال مردم پایبند باشد.

در بخشی از این نامه چنین آمده است: "بنا بر گزارش ها، شمار جانباختگان به هزاران نفر رسیده است. قطع سراسری اینترنت، که به نظر می رسد با هدف پنهان سازی این جنایات اعمال شده، نقض آشکار اصول سازمان ملل در زمینه آزادی بیان، دسترسی به اطلاعات و حرمت جان انسان است". در این نامه همچنین به شمار بالای بازداشت ها از جمله بازداشت عبدالله رضایی فعال کارگری و معلم بازنشسته عضو هیئت مدیره اتحادیه معلمان، اشاره شده و با تاکید بر اینکه این فدراسیون کنار همکاران خود در ایران ایستاده خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی فعالان معلمی و صنفی زندانی شده است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ بهمن ۱۴۰۴، ۵ فوریه ۲۰۲۶

BOYCOTT

Iran's killer regime!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

قربانیان سرکوب: کارگران و مزدبگیران کشته شده در اعتراضات اخیر

افرادی که در این فهرست آمده اند، نه «آمار» هستند و نه «حاشیه»؛ آن‌ها نیروی کار این جامعه‌ان، کسانی که برای نان، کار و زندگی روزمره در خیابان و محل کار حضور داشته و جانشان را از دست داده‌اند. این فهرست نشان می‌دهد که: سرکوب، مستقیماً متوجه طبقه‌ی کارگر و مزدبگیران است. حق حیات، امنیت شغلی و امنیت اجتماعی کارگران به‌طور سیستماتیک نقض می‌شود.

فهرست جانباخته‌گان کارگری و مزدبگیران

۱. دانیال سبزیکار / اهل رامهرمز خوزستان / ارامهرمز / کارگر مکانیک
۲. آرمین جشنی‌نژاد / اهل هفت‌تپه خوزستان / ماهشهر / کارگر پتروشیمی
۳. رضا کریمی‌فر / نامشخص / ۴. چالوس / معلم / بازنشسته
۵. فرشید مرادی / ساکن فولادشهر / فولادشهر / کارگر جوشکار (پروژه‌های نفتی)
۶. رضا شیخ بارانی / اهل رامهرمز خوزستان / فردیس کرج / آرایشگر / کارگر مغازه عطر فروشی
۷. عرفان مؤمنی / اهل دهنوی اصفهان / بیمارستان (نامشخص) / کارگر ریخته‌گری
۸. علی زندیه‌پری / اهل ملایر / ملایر / کارگر باتری‌سازی
۹. مجید استیر / ساکن تهران / تهران (پیروزی) / کارگر مغازه
۱۰. علیرضا انصاری‌فر (یاسین) / نامشخص / مارلیک کرج / معلم / کارمند آموزش و پرورش
۱۱. حمید شفیعی / نامشخص / نامشخص / کارگر برق‌کار ساختمانی
۱۲. محسن رمضانی / نامشخص / النجان اصفهان / کارگر ساختمانی (سرامیک‌کار)
۱۳. سعید محمودی / اهل آبادان / تهران / کارگر ساختمانی
۱۴. اردشیر زارعی / اهل دالاهو / اساهو / کارگر
۱۵. امیرحسین محمدی / اهل جوی‌آباد اصفهان / اصفهان / کارگر مغازه جوشکاری
۱۶. منصوره حیدری / نامشخص / نامشخص / پرستار
۱۷. ناصر جهانپن دهنی / اهل ایران‌شهر / اقسام / کارگر خدمات شهری شهرداری
۱۸. جابر صالحی / نامشخص / اشازند اراک / کارگر جوشکار پالایشگاه
۱۹. حمیدرضا همتی / اهل لیکک بهمنی / نامشخص / مدرس زبان (معلم)
۲۰. نادر محمدی / عده‌وند موری / اهل جوی‌آباد اصفهان / نامشخص / کارگر / دستفروش
۲۱. فرشید مختاری / اهل یزدانشهر اصفهان / یزدانشهر / معلم / شاعر
۲۲. حمیدرضا سلیمیان / ساکن اصفهان / نامشخص / کارگر فولاد مبارکه
۲۳. ابوالفضل جهانی / اهل نیار اردبیل / اردبیل / کارگر مغازه اغذیه‌فروشی
۲۴. محمدامین عقیلی‌زاده / ساکن فولادشهر / فولادشهر / کارگر کارواش
۲۵. محمد روستا / ساکن شیراز / شیراز / کارگر جوشکار / نصاب سوله
۲۶. علی قزلقی / نامشخص / اگرگان / کارگر برق‌کار ساختمان
۲۷. کریم حیدری / ساکن بندر گناه / بندر گناه / کارگر دکوراسیون داخلی
۲۸. امین رضایی / نامشخص / کرمان / تعمیرکار تجهیزات صنعتی
۲۹. مهرداد دانه‌پاش / اهل تهران / تهران / کارمند شرکت نفت
۳۰. علیرضا مروتی / ساکن تهران / تهران / دستفروش (میوه‌فروش سیار)
۳۱. فرشید سلطانی / ساکن تهران / تهران / کارگر خدمات آرایشگری
۳۲. فاطمه طبیبی / ساکن اصفهان / اصفهان / حسابدار فروشگاه
۳۳. کوروش ضیایی / نامشخص / چمگردان / کارگر بازنشسته ذوب‌آهن
۳۴. امیرمهدی نعمتی‌نژاد / نامشخص / اراک / کودک‌کار / کارگر خیاطی
۳۵. سجاد پورحسینی / اهل فومن / ارشد / کارگر خواروبارفروشی
۳۶. محمدحسین خلج / نامشخص / الوند / قزوین / کارگر فروشگاه
۳۷. ادمید عظیمی / نامشخص / تهران / آرایشگر
۳۸. اکبر جهانگیری / اهل اصفهان / اصفهان / کارگر صافکاری و نقاشی خودرو
۳۹. مصطفی صفیان / نامشخص / شهرضا / کارگر باربری
۴۰. هانیه سلطانی / اهل اهواز / اهواز / آرایشگر
۴۱. بیژن مصطفوی / اهل سنقر / کرج / ابازنشسته آموزش و پرورش
۴۲. محسن اربابی / اهل گشت (سراوان) / کرج / کارگر
۴۳. عرشیا احمدپور / اهل ایذه / بهارستان اصفهان / آرایشگر
۴۴. ایمان میرشکاری / نامشخص / اچنار شاه‌یجان / فارس / کارگر جوشکار
۴۵. سجاد رحیمی / نامشخص / مرودشت / فارس / معلم / کارشناس IT
۴۶. فرزین رستمی / اهل فریدونشهر / اصفهان / آرایشگر
۴۷. امیرحسین سهرابی / نامشخص / تهران / کارگر تولیدی پوشاک / ندای زنان ایران، [14:47 07/02/2026]
۴۸. حسین پوشنه / اهل باغملک / اهواز / کارگر مغازه حلیم‌پزی
۴۹. سمانه عبدی / ساکن کرج / کرج / کارگر تولیدی
۵۰. شکوفه عبدی / اهل شازند اراک / عکاس
۵۱. سحر فلاح / نامشخص / تهران / کارمند شرکت مهاجرتی
۵۲. ایوب شریفی / ساکن دشتستان / کازرون / کارگر
۵۳. علی گردکانه / نامشخص / کنگاور / آرایشگر
۵۴. سروش خبازیان / مقدم / نامشخص / اصفهان / مدرس زبان انگلیسی
۵۵. محمد خام محمدی / ساکن تهران / اخلبان / بازنشسته
۵۶. احمد علیجانی / اهل کاشمر / کشاورز
۵۷. امیررضا میرزایی / نامشخص / اسلامشهر / کارگر طباحی
۵۸. حسین محب‌پور / اهل بشاگرد / کیش / کارگر اسکله
۵۹. محمد زمانی / اهل ایوان ایلام / تهران / کارگر
۶۰. عرفان صاحبی / نامشخص / تربت جام / دستفروش
۶۱. امیرحسین خدادادی / نامشخص / انجف‌آباد / کارگرکافه
۶۲. ایوب رسانه / نامشخص / اراک / کارگر روزمزد
۶۳. عبدالله فتحی / منجزی / نامشخص / شوشتر / کارگر فولاد اهواز
۶۴. علی مرادی / مقدم / اهل گوشک / سفلی / بافت / کرمان / راننده لودر معدن گل‌گهر
۶۵. مجتبی روستایی / نامشخص / تهران / آتشپز
۶۶. آرمین سلطان‌محمدی / نامشخص / تهران / کارگر رنگ‌آمیزی ساختمان
۶۷. میلاد مجبی / نامشخص / کرمانشاه / کارگر
۶۸. مصطفی جمالی / امیری / ساکن فولادشهر / فولادشهر / کارگر فروشگاه مواد غذایی
۶۹. زهرا مرادی / اهل بوکان / تهران / جویای کار
۷۰. احسان اکبری / نامشخص / اراک / منشی کلینیک
۷۱. محمد علیزاده / اهل فومن / ارشد / کارگر سفره‌خانه
۷۲. ماهان رستمی / اهل دالاهو / کرمانشاه / کشاورز

کارگران و مزدبگیران...

از صفحه ۱۰

۷۳. پروین عزیزی اهل قصرشیرین اندیشه (البرز) پرستار بیمارستان
۷۴. حامد صالح رحمان اهل روستای موسی آباد تربت جام اقسام کارگر فصلی
۷۵. کیوان مرادی میرانی نامشخص اشهرک قدس کارگر ساختمانی
۷۶. عسل شاکری نامشخص تبریز اعکاس و فیلم بردار
۷۷. سجاد گرجی اهل دینور کرمانشاه تهران کارگر فصلی
۷۸. موهان قدیمی (ماهان) نامشخص اووان آرایشگر
۷۹. محمد صیدی اهل سرپل ذهاب کرج کارگر
۸۰. امید رضانی ثانی نامشخص مشهد اراننده اسنپ
۸۱. زهرا مرادی اهل بوکان تهران (تهرانسر) آرایشگر
۸۲. محمدمهدی روستا نامشخص اشیراز کارگر مغازه میوه فروشی
۸۳. احسان طوفان نامشخص بندرعباس کارگر شرکت تیپاکس
۸۴. صادق قدسی اهل تکاب قلعه حسن خان ادستفروش / میوه فروش
۸۵. محسن قهرمان پور اهل ملایر تهرانپارس کارگر کارگاه کانکس سازی
۸۶. امیر موحدی نامشخص ارشد آرایشگر
۸۷. امیرحسین امیری وفا نامشخص مشهد جوشکار
۸۸. مهران رفیعی اهل زمینان لاهیجان نامشخص آرایشگر
۸۹. حمید مهدوی ساکن مشهد مشهد آتش نشان
۹۰. مسعود قلعه نوعی ساکن تهران تهرانپارس فروشنده لوازم آرایشی
۹۱. امیر محمد نجفی نامشخص کرج کارگر ایران خودرو
۹۲. پارسا عباسپور ساکن کرج فردیس فروشنده پوشاک
۹۳. مجتبی شهری اهل ایذه بهارستان نگهبان
۹۴. احسان رسولی اهل فری آباد باخرز مشهد فروشنده مغازه
۹۵. محمد چگنی شاکرمی ساکن خرم آباد خرم آباد اراننده
۹۶. باباخان اشکور قربانی نامشخص شهسوار کارگر
۹۷. مصعب سعیدی اهل تربت جام مشهد کارگر ساختمانی
۹۸. محسن مقیمی ساکن آبگرم قزوین نامشخص اراننده
۹۹. علی محمد دوست ساکن چالوس چالوس فروشنده پوشاک
۱۰۰. محمدرضا احمدپرست اهل تایباد کیش فروشنده لوازم آرایشی
۱۰۱. محمدرضا مسکین نواز ساکن تهران نارمک انجار
۱۰۲. نیما پالیزگر نامشخص کرج کارگر خودرو سازی
۱۰۳. ابوالقاسم بابایی نامشخص اوحدیه شهریار اراننده تاکسی
۱۰۴. عیسی یعقوبی اهل حاجی آباد تربت جام مشهد کارگر ساختمانی
۱۰۵. حمداله سلیمیان ناغانی ساکن اصفهان اصفهان کارگر ارکان ثالث نفت
۱۰۶. بهزاد حسینی ساکن رشت رشت اراننده جرثقیل
۱۰۷. امید باقری نامشخص اراک انصاب آسانسور
۱۰۸. ایمان بابایی اهل پیربکران اصفهان نامشخص کارگر ساختمانی
۱۰۹. پژمان نوروز رجبی نامشخص تنکابن آرایشگر
۱۱۰. عارف براتی نامشخص چنار شاهین فارس مدیر فروش هایپرمارکت
۱۱۱. متین عباسی ساکن شهریار شهریار انصاب پرده
۱۱۲. قدرت اله کایدخوردی نامشخص اذفول کارمند سد گتوند
۱۱۳. بهروز بیگدلی قشقای نامشخص بهارستان اصفهان اصفافکار اتومبیل
۱۱۴. مجتبی رضایی اهل قیامدشت تهران نامشخص کابینت ساز
۱۱۵. رستم مبارک آبادی نامشخص مبارکه اصفهان اراننده کامیون
۱۱۶. مهدی جمشیدی ساکن رستم آباد گیلان رستم آباد آرایشگر

۱۱۷. علی بابلقانی ساکن تهرانپارس ا
- تهران کارگر رنگ کاری چوب
۱۱۸. عباس برزوخانی ساکن آبگرم
- قزوین اسلامشهر کارگر مبل سازی
۱۱۹. مجتبی چگینی اهل قزوین ا
- نیشابور اراننده کامیون
۱۲۰. امیررضا فتحیان ساکن اصفهان ا
- اصفهان کارگر معدن
۱۲۱. علی کرمی ساکن تهران میدان رسالت کارگر صافکاری خودرو
۱۲۲. امیر مهدی رازگردانی ساکن تهران تهرانپارس کارگر باتری سازی
۱۲۳. منصور بابایی ساکن اسلامشهر اسلامشهر اراننده
۱۲۴. سجاد قلعه قوند ساکن کرج کرج فروشنده پوشاک
۱۲۵. علیرضا صفوی فاضلی ساکن تهران آرایشگر کارشناس خدمات خودرو
۱۲۶. امیر محمد وحیدی ساکن الوند قزوین الوند کارگر
۱۲۷. امیرحسین صفری ساکن تهران یافت آباد تعمیرکار خودرو
۱۲۸. حسن محمدی ساکن خرم آباد خرم آباد کارگر روزمزد
۱۲۹. مهران نیایش اهل مسجد سلیمان بهارستان اصفهان کارگر واحد صنعتی
۱۳۰. امید رستمی نامشخص تهران نگهبان ساختمان روزنامه اطلاعات
۱۳۱. جواد جلیوند اهل تویسرکان کرج کارمند شرکت لبنیاتی
۱۳۲. بهمن حیدری اهل خیر آباد تربت جام تربت جام جوشکار
۱۳۳. ایمان عزیزی ساکن زنجان ازنجان کارگر کارخانه صنعتی
۱۳۴. امین پیرو ساکن رشت ارشد کارگر جوشکاری در و پنجره
۱۳۵. امیرمسعود احمدی ساکن مشهد مشهد تعمیرکار موبایل
- پوریا حمزه ای ساکن اصفهان اصفهان کارگر
۱۳۶. محمد متین مصلح ساکن تهران نازی آباد تعمیرکار موبایل
۱۳۷. رضا طهماسبیان ساکن فولادشهر فولادشهر MDF کار / اراننده اسنپ
۱۳۸. ثمین رستمی ساکن کرج کرج پرستار بیمارستان
۱۳۹. علی ربانی نامشخص ارشد کارگر نانوا
۱۴۰. احمد آهنچیان نامشخص مشهد کارگر نصب سیستم صوتی خودرو
۱۴۱. محمد جواد مقنی نامشخص اسیرجان کارگر پمپ بنزین
۱۴۲. متین گلی اهل مسجد سلیمان بهارستان اصفهان فروشنده لوازم آشپزخانه
۱۴۳. غزاله جاقربان نامشخص اصفهان کارگر غرفه لوازم آرایشی
۱۴۴. جواد آقامحمدی اهل آجین همدان اسدآباد کارگر مغازه خیاطی
۱۴۵. معین تقی پور نامشخص کرج (فردیس) کارگر فروشگاه
۱۴۶. حسین ناصری نامشخص اشرق تهران بازنشسته
۱۴۷. عماد شوش اهل لاهیجان نامشخص کارگر کافه
۱۴۸. ناصر شیرازی نامشخص اسلامشهر آتش نشان / فرمانده ایستگاه
۱۴۹. احسان سوری ساکن ملایر ملایر کارگر ساختمانی / آرمانتوربند
۱۵۰. رستم ساکت ساکن مشهد مشهد معلم بازنشسته
۱۵۱. ابراهیم احمدپوریان اهل سقر تهران کارگر مهاجر
۱۵۲. دانیال مرادی زاده نامشخص نارمک تهران کارگر کابینت سازی
۱۵۳. حسن محمدی فر نامشخص خرم آباد لوله کش
۱۵۴. علیرضا حضوری ساکن گلپایگان گلپایگان کارگر باتری سازی
۱۵۵. بهنام ایمانی نامشخص ارشد کارگر کابینت سازی
۱۵۶. مهدی خسروی ساکن کرمان کرمان کارگر مغازه



اعلام همبستگی اتحادیه معلمان هلند با معلمان و فعالان صنفی ایران

آن‌ها برای دستیابی به آزادی، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی حمایت می‌کند.

این اتحادیه در انتهای بیانیه خود نوشته است:

«اتحادیه معلمان هلند (De AOb) با مردم ایران و سازمان‌هایی مانند شورای هماهنگی تشکلات صنفی معلمان ایران (CCITTA) و آموزش بین‌المللی ابراز همبستگی می‌کند. ما از مقامات ایران می‌خواهیم که فوراً و بدون قید و شرط همه معلمان و فعالان صنفی بازداشت‌شده را آزاد کنند، به خشونت و ارباب پایان دهند و به حقوق اساسی آزادی تشکلات، اقدام جمعی و بیان احترام بگذارند.»

همبستگی‌های جهانی با مردم ایران و علیه کشتار ددمنشانه دیمه حکومت اسلامی ادامه دارد. جمهوری اسلامی بخاطر همه جنایاتش باید در سطح بین‌المللی محاکمه و در سطح جهان بایکوت شود.

است.

- مسئولیت جان تک‌تک بازداشت‌شدگان بر عهده نهادهایی است که آنان را بی‌خبر از خانواده‌ها ربوده و در بازداشت نگه داشته‌اند.
- خانواده‌های بازداشت‌شدگان حق دارند از وضعیت عزیزان خود آگاه شوند و هیچ نهادی حق پنهان‌کاری در این زمینه را ندارد.
- باید فهرست اسامی جان‌باختگان و بازداشت‌شدگان به‌طور شفاف اعلام و وضعیت آنان مشخص شود.
- کارگران و دیگر معترضان بازداشت‌شده در سراسر کشور باید فوراً و بدون هیچ قید و شرطی آزاد شوند.

سندیکای کارگران شرکت واحد، هم‌صدا با مردم به‌ستوه‌آمده، خواهان شفافیت کامل درباره وضعیت تمامی بازداشت‌شدگان اعتراضات دی‌ماه، دسترسی خانواده‌ها به آنان، و پایان فوری سرکوب و خشونت علیه کارگران و مردم معترض است. زندانی سیاسی آزاد باید گردد. آمران و عاملان این جنایات باید در دادگاه‌های عادلانه و علنی محاکمه شوند. عدالت و آزادی و برابری حق مردم ایران است. چاره کارگران و زحمتکشان وحدت و تشکیلات است! سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ۲۰ بهمن ۱۴۰۴ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

کارگران و مزدبگیران...

- ۱۵۷. رامین اسدی فرد | نامشخص | کرج (محله مصباح) | مکانیک خودرو
- ۱۵۸. هادی شهولی | ساکن دزفول | دزفول | جوشکار
- ۱۵۹. عرفان کاری کنزق | اهل سرعین | تهران | مکانیک موتورسیکلت
- ۱۶۰. بهزاد وحیدی | ساکن کرج | کرج | کارگر شهرداری
- ۱۶۱. محمد قاسمی | اهل شیروان | مشهد | آشپز رستوران
- ۱۶۲. علی طبسی فیض‌آبادی | نامشخص | مشهد | اراننده شرکت نفت
- ۱۶۳. مجتبی رضوانی | نامشخص | ارشد | کارگر چوب‌بری و کابینت
- ۱۶۴. رضا اسماعیل‌زاده | نامشخص | مشهد | کارگر کارخانه تجهیزات برودتی کانال جنبش کارگری (برگرفته از مدیای اجتماعی)

اتحادیه سراسری آموزش هلند با انتشار بیانیه‌ای رسمی، حمایت خود را از معلمان و فعالان صنفی مستقل در ایران اعلام کرد و سرکوب سازمان‌یافته این قشر را به‌شدت محکوم کرد.

در این بیانیه به بازداشت‌ها، صدور احکام قضایی، اخراج‌ها و فشارهای امنیتی علیه فعالان صنفی اشاره شده و تأکید شده است که معلمان ایرانی به‌دلیل مطالبه حقوقی مانند دستمزد عادلانه، حق ایجاد تشکلات مستقل، آزادی بیان و برگزاری اعتراضات مسالمت‌آمیز، با برخورد خشونت‌آمیز نیروهای حکومتی روبرو شده‌اند. اتحادیه معلمان هلند همچنین خواستار آزادی فوری تمامی معلمان و فعالان صنفی زندانی شد و مسئولیت نقض گسترده حقوق بشر و حقوق کارگری در ایران را متوجه حکومت دانست.

در ادامه این بیانیه آمده است که افزایش اعتراضات صنفی در ایران نتیجه بحران‌های عمیق اقتصادی و اجتماعی است و حکومت به‌جای پاسخ‌گویی و گفت‌وگو، مسیر سرکوب و جرم‌انگاری فعالیت‌های صنفی را در پیش گرفته است. این اتحادیه تأکید کرده است که در کنار معلمان ایران خواهد ایستاد و از تلاش

بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه درباره کشتار و بازداشت کارگران معترض

پیرو بیانیه‌های پیشین سندیکای کارگران شرکت واحد در رابطه با قتل عام و سرکوب وحشیانه اعتراضات دی‌ماه که در روزهای ۱۸ و ۱۹ به اوج خود رسید، و با توجه به هفته‌ها قطع اینترنت و محدودیت‌های گسترده ارتباطی، به‌تدریج اخبار مربوط به جان‌باختن صدها کارگر که در این اعتراضات شرکت داشتند در دسترس عموم قرار می‌گیرد. همچنین بنا به گزارش‌های منتشرشده، بسیاری از کارگران عسلیویه که قصد اعتصاب داشتند به‌صورت جمعی بازداشت شده و در سوله‌های همان شرکت در بازداشت نگهداری می‌شوند.

در این روزها، خیابان‌های کشور شاهد صحنه‌هایی بود که هیچ انسانی هرگز فراموش نخواهد کرد: در میان هزاران نوجوان و جوان معترض جان‌باخته، صدها کارگر نیز که برای نان، برای زنده ماندن و برای رهایی از فقر، تحقیر و خفقان به خیابان آمده بودند، با گلوله پاسخ گرفتند. کارگرانی که سال‌ها بار اقتصاد این کشور را بر دوش کشیده‌اند؛ کارگرانی که در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و بیابان‌ها، از گرمای عسلیویه در جنوب تا سرمای استخوان‌سوز مناطق سردسیر، در تاریکی معادن، در میدان‌های میوه و تره‌بار، و در جاده‌ها، بیمارستان‌ها و مدارس در سخت‌ترین شرایط کار کرده‌اند، امروز یا زیر خاک‌اند یا محبوس در بازداشتگاه‌هایی که حتی نام و نشانشان اعلام نمی‌شود.

کارگری که برای نان فریاد می‌زند، کارگری که از فقر به‌ستوه آمده و حقش را می‌خواهد، نه مجرم است و نه تهدید. هیچ جامعه‌ای با گلوله بر دهان کارگران و جوانان به آرامش و ثبات نرسیده است؛ خشونت تنها صدای اعتراض را بلندتر کرده است. این کشتار جمعی، که هنوز ابعاد هولناک آن به‌طور کامل روشن نشده است، زخمی است بر پیکر تمام طبقه کارگر؛ طبقه‌ای که در تمام دهه‌های گذشته، با وجود سرکوب بی‌امان، پرچم عدالت‌خواهی و آزادی را زمین نگذاشته است.

در برابر این وضعیت دردناک و سرکوب گسترده‌ای که کارگران و مردم معترض با آن روبرو شده‌اند، سندیکای کارگران شرکت واحد بار دیگر اعلام می‌کند:

- کشتار کارگران و معترضان، جنایتی نابخشودنی است که هیچ‌گونه توجیهی ندارد.
- بازداشت کارگران، تلاشی آشکار برای خاموش کردن صدای گرسنگی و اعتراض

دستگیر شدگان دیماه باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند

لیستی از معلمان بازداشتی از اعتراضات دیماه تا کنون



منتقل گردید و برای وی قرار بازداشت یک‌ماهه صادر شده است. این معلم معترض در حال حاضر با اتهام "اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی" در زندان است. در این مدت خانواده رضا مسملی از جمله همسر دختر و خواهر او نیز زیر فشار قرار گرفته و چندین بار مورد بازجویی قرار گرفته اند.

۹- روز ۶ بهمن نیروهای امنیتی با یورش به منزل کوکب بدایغی پگاه، معلم معترض ساکن شهرستان ایذه، ضمن تفتیش منزل و ضبط تلفن همراه وی، ابلاغیه احضار او را به صورت حضوری به وی تحویل دادند و او را همراه خود به اداره اطلاعات منتقل کردند.

۱۰- روز جمعه ۱۹ دی مسعود کیانی، معلم و فعال رسانه‌های مجازی اهل شاداب (اسلام‌آبادغرب)، در جریان اعتراضات مردمی توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده و خبری از او در دست نیست.

۱۱- روز جمعه ۱۹ دی ماه حسین رمضانپور، فعال صنفی معلمان استان خراسان شمالی، در جریان اعتراضات مردمی در خیابان، توسط نیروهای امنیتی در بجنورد بازداشت شده و بنا بر گزارشات در سلول انفرادی اداره اطلاعات نگهداری می‌شود.

۱۲- سه‌شنبه ۹ دی آرمان شاپوری معلم ۲۴ ساله - ایذه - بازداشت و همچنان در زندان است.

۱۳- روز ۱۱ دی شروین حمیده معلم کرج (گوهردشت) بازداشت و هنوز در زندان است.

۱۴- روز ۱۴ دی جلیل شیردل معلم بازنشسته - بابل بازداشت و همچنان در زندان است.

۱۵- دوشنبه ۱۵ دی کیومرث واعظی معلم بازنشسته - سنقر دستگیر و در هفده دی به زندان دیزل آباد کرمانشاه منتقل شد.

۱۶- چهارشنبه ۱۷ دی ماه حمید رحمتی معلم بازنشسته و عضو هیئت‌مدیره کانون صنفی معلمان - شهرضا بازداشت و همان روز به زندان شهرضا منتقل شد.

۱۷- شنبه ۲۷ دی ماه عبدالرضا قندهاری، معلم بازنشسته و فعال اجتماعی، در پی یورش نیروهای امنیتی، در روستای خانلق از توابع نیشابور بازداشت شد. او پیش‌تر، در تاریخ ۱۲ دی ماه، ویدئویی در حمایت از اعتراضات مردمی و آنچه از سرکوب خیابانی شاهد آن بوده منتشر کرده بود.

۱۸- روز شنبه ۵ بهمن مهدی نظری، دبیر فیزیک آموزش و پرورش شهرستان نورآباد دلفان (استان لرستان)، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد.

۱۹- روز ۷ بهمن علی ایمانی مطلق در لرستان بازداشت شد.

همراه با کشتار ددمشانه دهها هزار نفر از معترضین در دیماه توسط جنایتکاران جمهوری اسلامی، دهها هزار نفر نیز دستگیر و زندانی شده و هم اکنون در شکنجه گاههای حکومت جانشان در خطر است. گزارشات از دستگیری بیش از ۵۰ هزار نفر از معترضین در جریان سرکوب اعتراضات دیماه خبر میدهند. در لیست این بازداشت شدگان جدا از فعالین معترض در کف خیابان شماری از معلمان، پزشکان و کادر درمان، فعالین کارگری، دانشجویان، وکلا، هنرمندان، ورزشکاران، اقلیت های مذهبی و بهائیان و بخش های مختلف معترضین جامعه قرار دارند که در خانه ها یا محلهای کارشان دستگیر شده اند. در میان این بازداشت شدگان شماری از دانش آموزان و نوجوانان قرار دارند. از جمله تا کنون اسامی ۴۳ نفر از نوجوانان زندانی منتشر شده است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نیز اسامی و تصاویر پانزده نفر از دانش آموزان بازداشتی و ۱۵۰ کودک جانباخته در کشتار دیماه حکومت را انتشار داده است. این شورا همچنین اسامی شماری از معلمان بازداشت شده را انتشار داده است که عبارتند از:

۱- محسن خدایی، معلم تربیت بدنی در مدرسه رجایی و اهل جاورسیان (از توابع اراک)، روز پنجشنبه ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده و همچنان در زندان است.

۲- رضا طاهری دبیر زیست‌شناسی ناحیه دو کرج و دانشجوی دکترای زیست‌مولکولی، از اول دی ماه ۱۴۰۴ توسط نیروهای امنیتی بازداشت و هنوز در زندان است.

۳- بهزاد قوامی در ۲۱ دی توسط ماموران اداره کل اطلاعات استان کردستان در سنج‌بازداشت و از محل نگهداری وی اطلاعی در دست نیست.

۴- احمد علیزاده، معلم و فعال سیاسی اهل آبدانان ایلام، که پیش‌تر در انقلاب "زن، زندگی، آزادی" نیز به حبس و تبعید محکوم شده بود، در شامگاه چهارشنبه ۸ بهمن ماه در مسیر آبدانان بازداشت شد.

۵- فرهاد رحمانی معلم تاکستان در استان قزوین در ۱۳ دی بازداشت و پس از ۲۶ روز ممنوع التماس و ممنوع الملاقات بودن، روز ۹ بهمن موفق به تماس با خانواده خود شد.

۶- صبح روز هفتم بهمن ماه محمد حسن داودی، معلم بازنشسته و فعال سیاسی، با یورش نیروهای امنیتی به منزلش در میاندوآب بازداشت و برای اجرای حکم حبس به زندان منتقل شد. او پیش‌تر از سوی دادگاه‌های کیفری ۲ و انقلاب شهرستان میاندوآب، استان آذربایجان غربی، با اتهاماتی چون تبلیغ علیه نظام مجموعاً به سه سال و چهار ماه حبس محکوم شده بود.

۷- عبداله رضایی معلم بازنشسته و عضو هیئت‌مدیره انجمن صنفی معلمان هرسین کرمانشاه در هجدهم دیماه بازداشت شد. بر اساس گزارشات با وجود آن‌که در روزهای شنبه ۴ بهمن و سه‌شنبه ۷ بهمن ماه، دادستانی با صدور قرار وثیقه برای آزادی وی موافقت کرده و خانواده وی نیز برای تودیع وثیقه به مرجع قضایی مراجعه نموده بودند، این قرار در نهایت با مخالفت ضابط قضایی اطلاعات سپاه کرمانشاه لغو شد. در پی این مخالفت، قرار وثیقه منتهی و قرار بازداشت موقت عبدالله رضایی مجدداً تمدید شده است.

۸- روز ۱۹ دی مأموران امنیتی با یورش به منزل رضا مسلمی، فعال صنفی معلمان در همدان، ضمن توقیف تلفن‌های همراه تمامی اعضای خانواده، وی را دستگیر کرده و به بازداشتگاه اداره اطلاعات منتقل کردند. طبق گزارشات او در آنجا به مدت ۱۲ روز تحت بازجویی و نگهداری در شرایط نامعلوم قرار گرفت و سپس به زندان الوند همدان

کودک‌کشی، کودک‌زندان و کودک‌ربایی دولتی را متوقف کنید



شادمند ، برهان سامیکیا ، امیرعلی بابایی ، ابوالفضل مرادی ، محمد افچنگی، ایمان حسینی، یاسر امینی، اهورا صفایی‌راد

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران تاکنون ۱۴۳ کودک و

نوجوان جان‌باخته در جریان سرکوب‌ها را مستند کرده است؛ آماری هولناک که به‌روشنی نشان می‌دهد بازداشت این کودکان، در ادامه‌ی همان سیاستی است که به کشتار آنان انجامید.

کودک‌زندان، امتداد کودک‌کشی است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، بازداشت دانش‌آموزان و نوجوانان را قاطعانه محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری، بی‌قیدوشرط تمامی دانش‌آموزان بازداشتی، توقف فوری کودک‌زندان و پایان‌دادن به سیاست سرکوب سیستماتیک کودکان است. آینده‌ی این کودکان را ویران نکنید.

کودک مجرم نیست و جای کودک در زندان نیست؛ جای کودک در خانه، مدرسه و در کنار خانواده و دوستانش است. بازداشت، بازجویی، تهدید و اعمال خشونت علیه دانش‌آموزان و نوجوانان، نه فقط «اقدام امنیتی» بلکه سرکوب عریان کودکان و نقض فاحش و سازمان‌یافته‌ی حقوق کودک است.

تداوم بازداشت و آزار کودکان، صرفاً تعرض به آزادی فردی آنان نیست؛ این سیاست مستقیماً آینده‌ی روانی و اجتماعی نسل‌ها و بنیان همبستگی و امنیت جامعه را هدف گرفته است.

اسامی دانش‌آموزان بازداشتی:

محمد مهدی کرمی، هستی قربانی، زهرا مهدوی، سبا محرومی، عرفان تاج آبادی، فراز ضیائی، میثم زاکری، هومن بلاش آبادی، ماهان خوبانی، سها داوودی فر، شاپور البرزی، حسام محمدی، بنیامین موسوی، احمد خسروی، عماد قربانی، مجتبی جوشی، ماهان سلیمانی، ایلیا اکونیان، ابوالفضل خوران، سعید شیعی، کیارش انصاری، معین ملکی، نازنین‌زهره موسوی، صابر وفائیان‌نژاد، محمدرضا حیدری، محمد مختاری، عرفان رحمانپور، سینا دانا، کورش خبری، غزل قلندری، علی عیوضی، ناسو کیخسروی، پردیا عیدی‌پور، علیرضا ساجدی، میثم دمندان، متین

از صفحه ۱۳

دستگیر شدگان دیماه ...

۲۰- ژاله روحزاد، معلم معترض توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به هشت ماه حبس تعزیری و مجازات‌های تکمیلی محکوم شد.

۲۰- در روزهای آغازین بهمن نیروهای امنیتی با پورش به منزل وی، تلفن همراه و وسایل ارتباطی او را ضبط کرده و با ابلاغ احضاریه‌ای، او را به یکی از نهادهای امنیتی احضار کرده‌اند.

علاوه بر بازداشت شدگان اخیر از قبل نیز شماری از معلمان از جمله مسعود فرهیخته، امان جلالی‌نژاد، ابوالفضل خوران، جواد لعل‌محمدی، هاشم خواستار، ایرج توبه‌ایها، محمدحسین سپهری، علیرضا مرداسی، ذاکر امینی، روح‌اله محسنی، محمد کریم فاضلی، هژبری، نیرومند، حمید رحمتی، در بازداشت به سر می‌برند.

یک کارزار مهم معلمان آزادی‌همکاران بازداشتی، کودکان و نوجوانان زندانی و تمام بازداشت شدگان دیماه ۱۴۰۴ است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و دیگر تشکلهای معلمان در شهرهای مختلف طی بیانیه‌ای کشتار حکومت و ادامه کشتار و سرکوب‌گریهای حکومت را محکوم کرده‌اند. این جنایت از سوی اتحادیه‌های کارگری و نهادهای انساندوست در سطح جهان بشدت محکوم شده است. از جمله فدراسیون معلمان آمریکا (AFT)، روز گذشته ۱۴ بهمن ۱۴۰۴ در نامه‌ای خطاب به نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد نسبت به تشدید سرکوب، خشونت دولتی و نقض سیستماتیک حقوق بشر، از جمله بازداشت و زندانی‌کردن معلمان و فعالان صنفی، اعتراض کرده و خواستار پاسخ‌گویی شده‌اند. این فدراسیون ۱/۸ میلیون عضو از معلمان را در بر می‌گیرد.

هم اکنون یک کارزار مهم اجتماعی آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان دیماه و نجات جان آنهاست. کمپین برای آزادی کارگران زندانی تلاش میکند صدای این کارزار و مردم دادخواه ایران در سطح جهان باشد.

بازداشت شدگان دیماه ۱۴۰۴ و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۶ بهمن ۱۴۰۴، ۵ فوریه ۲۰۲۶

<https://www.free-them-now.com/>

برگرفته از مدیای اجتماعی

حمایت فدراسیون اتحادیه‌های پرستاران کانادا از مردم ایران

CFNU فدراسیون اتحادیه‌های پرستاران کانادا طی بیانیه‌ای سرکوب جنایتکارانه دیماه جمهوری اسلامی در ایران را محکوم کرد. این فدراسیون کشتار هزاران نفره مردم در این سرکوب ددمنشانه را نفرت‌انگیز خواند. این اتحادیه با اشاره به قتل کارکنان درمان که در جریان اعتراضات مردمی به مجروحان کمک رسانی می‌کردند و بازداشت شماری از آنان در هفته‌های بعد، حمایت و پشتیبانی خود را اعلام کرده و خواستار پایان این سرکوب‌گریهای جنایتکارانه شد. متن انگلیسی و فارسی این همبستگی ضمیمه است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۷-فوریه ۲۰۲۶

<https://free-them-now.com/>

بیانیه CFNU در مورد وضعیت ایران: کارکنان مراقبت‌های بهداشتی باید محافظت شوند

CFNU سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات و اعتصابات را که از ژانویه امسال در ایران آغاز شد، محکوم می‌کند. تخمین زده می‌شود که بین ۷ تا ۸ ژانویه ۲۰۲۶، ۳۰۰۰ تا ۳۶۰۰ نفر در جریان اعتراضات کشته شده‌اند. این تعداد هم تکان‌دهنده و هم نفرت‌انگیز است.

علاوه بر این، سازمان‌های ناظر بر حقوق بشر و رسانه‌ها فاش کرده‌اند که کارکنان مراقبت‌های بهداشتی که در جریان اعتراضات به مجروحان کمک می‌کردند، ظاهراً هدف قرار گرفته‌اند و در هفته‌های بعد از اعتراضات، تحت تعقیب هستند.

CFNU به بسیاری از اعضای جامعه جهانی کار و مراقبت‌های بهداشتی می‌پیوندد و خواستار پایان فوری سرکوب مداوم کارکنان مراقبت‌های بهداشتی و غیرنظامیان پس از اعتراضات ژانویه است.



فدراسیون اتحادیه‌های پرستاران کانادا

برگرفته از مدیای اجتماعی



تشکیل صندوق کمک به زخمی های دی ماه

از نسل کشی حکومت اسلامی در ایران در قبال اعتراضات مردم معترض ایران که بخاطر فقر و بی تأمین و بساط چپاول و غارت و سرکوبگریهای حکومت به خیابان آمدند، اکنون همه آگاهند. این حکومت روزهای ۱۸ و ۱۹ دیماه صف تظاهراتهای مردم را در شهرهای مختلف بیرحمانه به رگبار بست و دهها هزار نفر را به قتل رساند و شمار بیشتری را دستگیر کرد. ابعاد این جنایت در تاریخ بیسابقه است. همچنین از دستگیری پنجاه هزار نفر خبر داده میشود. بعد از آن هم حکومت به کشتار خود ادامه داد، به زخمی ها تیر خلاص زد و به زندانیان در زندانها مستقیماً شلیک کرد. خانواده ها را ناچار کردند که با پرداخت پولهای کلان اجساد را تحویل بگیرند. در لیست کشته شدگان، طبق گزارشات جمع آوری شده تا کنونی ۱۷۶ کودک و نوجوان نیز قرار دارند. بهر رو ابعاد این جنایات بسیار گسترده و وسیع است و بخاطر قطعی اینترنت همه جوانب و آمار واقعی آن روشن نیست.

هنوز بسیاری از خانواده ها بدنال گم شده های خود هستند. و هنوز تعدادی از زخمی ها در پناه مردم در خانه ها نگهداری میشوند که وضعیت جسمی آنها وخیم است. در این میان کادر درمان و پزشکان قهرمانه در کنار مردم ایستاده و به درمان زخمی ها کمک میکنند. حتی در منازل عملهای جراحی سخت صورت میگیرد.

به طور خلاصه وضعیت بسیار تراژیک است و بسیاری از کارگران و معلمان و مردم ایران برای درمان زخمی ها، نیازمند کمک هستند و بسیاری از آنها به فری دم ناو (free them now) برای دریافت کمک مراجعه میکنند.

به صندوق مالی برای حمایت از زخمی ها کمک کنید

با توجه به این شرایط فری دم ناو تصمیم گرفت که صندوق همبستگی با مردم ایران را تشکیل دهد و از همگان میخواهیم که به هر شکلی که ممکن است ما را برای پاسخگویی به این نیاز انسانی مورد حمایت قرار دهند. طبیعی است که گزارش عملکرد این صندوق یعنی مبالغ دریافتی و پرداختها را مرتباً با رعایت جنبه های امنیتی گزارش خواهیم کرد. اطلاعات مربوط به صندوق را در زیر مشاهده میکنید. حسابهای دیگری متعاقباً اعلام خواهد شد.

۶ فوریه ۲۰۲۶ - کمپین برای آزادی کارگران زندانی

برگرفته از مدیای اجتماعی

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://free-them-now.com/>

Bank Account

Coast Capital Saving

International Federation of Iranian Refugees Association

Member number: 40757296

Account number: 110022149300

Donation by PAYPAL

Donate (paypal.com)

بردگی را بر نمی تابیم!

پرستاران و کادر درمان با وجود شرایط طاقت فرسای معیشتی تحت فشارهای شدید امنیتی هستند.

تعدادی از همکاران ما در مسیر خدمت رسانی و انجام وظیفه انسانی خود جان باختند و بخشی از پرستاران و کادر درمان و پزشکان به جرم خدمت رسانی به مجروحان در بازداشت و بیخبری بسر میبرند و حتی با احکام اعدام روبرو شده اند بطوریکه شورای عالی نظام پزشکی نیز مجبور به انتشار بیانیه ای در مورد بازداشتی های کادر درمان شد.

پرستاران و کادر درمانی شجاعانه، در مراکز خارج از محیط بیمارستانهای رسمی به مجروحانی خدمت رسانی می کنند که به دلیل شرایط امنیتی به بیمارستانها مراجعه نکرده اند.

پرستاران و کادر درمان در شرایطی بنا به وظیفه انسانی شغلی خود خالصانه به مجروحان خدمت رسانی کرده اند که با معضلات شدید معیشتی دست و پنجه نرم میکنند.

مافیای بهداشت و درمان تنها با دیدن خشم پرستاران و کادر درمان به صورت قطره چکانی مبالغ تحقیر آمیزی از معوقات را در برخی شهرها و مراکز واریز کرده اند تا به خیال خود بتوانند از سرگیری اعتراضات متحد ما جلوگیری کنند.

واریز مبالغ توهین آمیز تعرفه های مرداد ماه بعد از ماهها تورم افسار گسیخته آنهم در دی ماه خونین و جنایت بار زمستان تنها شعله خشم ما را فوران میبخشد.

"شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران" یاد همه همکاران جانبازان را گرامی میدارد و از همه مردم آزادیخواه میخواهد صدای پرستاران و پزشکان زندانی و همه بازداشتی های اعتراضات دی ماه باشند و با گسترش اتحاد و همیاری به مجروحانی که بدور از خدمات درمانی در خانه بسر میبرند، یاری برسانند.

مطالبات و خواسته های صنفی معیشتی ما همچنان بدون پاسخ مانده است و تنها با اعتراضات پیگیر و مستمر ما محقق خواهد شد.

ما پرستاران و کادر درمان با همه مردم آزادیخواه درد مشترک داریم و این بردگی را بر نمی تابیم و اعلام میکنیم:

پرستاران و کادر درمانی که به دلیل انجام وظایف انسانی و شغلی خود در زندان هستند و حتی با احکام و خطر اعدام روبرو شده اند، باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد گردند.

همه معوقات تعرفه ای و فوق العاده خاص و مطالبات شغلی معیشتی ما باید بر طبق آخرین نرخ تورم محاسبه و تمام و کمال پرداخت شود.

از مبارزات متحد و سراسری دانشجویان علوم پزشکی که خواهان آزادی فوری کادر درمان و همه بازداشتی های اعتراضات دی ماه هستند، قویا حمایت میکنیم!

ما با همیاری و اتحاد میتوانیم سخت ترین شرایط را ایستادگی کرده و امید را زنده نگه داریم و برای داشتن زندگی انسانی به میدان بیاییم.

اتحاد، همیاری رمز پیروزی ماست

برای فردای بهتر امروز متحدشویم! (برگرفته از مدیای اجتماعی)

**به حزب کمونیست کارگری
پیوندید!**

تلگرام: @wpi_tamas

۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان
انهاست. درج مقالات در کارگر
کمونیست لزوماً به معنی تأیید
مضمون آنها از جانب نشریه نیست



با این شعار، جسورتر شدیم.

با این شعار، از زیر خاکستر برخاستیم و پایه‌های جمهوری اسلامی را به لرزه درآوردیم.

با این شعار، سنگر حجاب اجباری را فتح کردیم و رژیم را به عقب راندیم.

با این شعار، یک گام به آزادی نزدیک‌تر شدیم.

مخالفت با آن از طرف جریان سلطنت طلب عمق ارتجاع و عقب ماندگی آنرا نشان می‌دهد.

"زن، زندگی، آزادی" فقط یک شعار نبود؛ یک انقلاب بود و هست. شعار میلیون‌ها نفر در ایران که احترام یک جهان را برانگیخت. این شعاری است که در مغز و قلب یک جامعه جای گرفته است. نه جمهوری اسلامی حریف آن می‌شود نه هیچ جریان مرتجع دیگری. خیالشان تخت باشد.

#زن-زندگی-آزادی

برگرفته از مدیای اجتماعی حزب کمونیست کارگری

زنده باد زن زندگی آزادی

دشمنی با شعار "زن، زندگی، آزادی" اکنون به یکی از خصیصه‌های جریان‌های پادشاهی خواه تبدیل شده است. به زعم آنان، همه باید شعار "جاوید شاه" بدهند و هر کس از این شعار پیروی نکند، "خائن و اجنبی" محسوب می‌شود.

پر واضح است که هیچ انسان آزادی خواهی مرعوب چنین زورگویی‌هایی نمی‌شود و باید در برابر کسانی که با تهدید جریانی که می‌کوشد از بالا بردن بنرها و پرچم‌های "زن، زندگی، آزادی" «در اعتراضات جلوگیری کند، محکم ایستاد.

دشمنی سلطنت طلبان با شعار "زن، زندگی، آزادی" از آن جا ریشه می‌گیرد که آنان نه خواهان رفع تبعیض علیه زنان و پایان دادن به اشکال گوناگون ستم هستند، نه به دنبال تأمین زندگی شایسته، مرفه و عاری از اعدام برای مردم ایران اند، و نه تعهدی به به رسمیت شناختن آزادی‌های سیاسی و مدنی دارند. بدیهی است نظام سلطنتی که موجودیتش به امتیازات موروثی و ژنتیکی گره خورده است، با مطالباتی که به زندگی، رفاه و آزادی‌های گسترده مردم مربوط می‌شود، سر سازگاری نداشته باشد.

برای ما، شعار "زن، زندگی، آزادی" بیانگر انسانی‌ترین خواسته‌های انقلاب بوده و همچنان هست.

با این شعار، از زاهدان تا آذربایجان متحد شدیم.

و روانی بر افراد بازداشتی، متهمین و محکومین از جمله اعتراف اجباری مطلقاً ممنوع است.

آزادی یعنی اعلام و تضمین آزادی بی قید و شرط بیان و اندیشه، اعتصاب، اعتراض، تجمع، تشکل و تحزب. آزادی رسانه‌ها، آزادی استفاده از مدیای اجتماعی. آزادی یعنی برسمیت شناسی بی قید و شرط حق تشکیل سازمانهای صنفی و مدنی، اتحادیه‌ها و شوراهای مستقل از دولت برای کارگران، معلمان، دانشجویان و دانش آموزان، کارکنان ادارات و بطور کلی همه مردم.

آزادی یعنی رهایی از بی حقوقی سیاسی و انقیاد فرهنگی، رهایی از پيله مذهب و پندارها و قوانین و ارزش‌های خرافه آمیز و عقب مانده جامعه موجود، رهایی از ستم‌های مذهبی، قومی و جنسی، رهایی از فقر و فلاکت، جهل و خرافه و کل تبعیضات و مصائب موجود

آزادی یعنی پایان دادن به همه مقدسات و تابوها و دگم و جبر مذهبی تحمیلی بر جامعه و بالاخره آزادی یعنی حاکمیت مستقیم شهروندان و لغو هر گونه حکومت مافوق مردم

#فقر-فساد-گرونی-میریم-تا-سرنگونی #جمهوری-اسلامی-نابود-باید-گردد
#زن-زندگی-آزادی (از مدیای اجتماعی حزب کمونیست کارگری)

از دمکراسی بگو!

#از-دمکراسی-بگو هشتمی است که دارد در شبکه ایکس در مقابل دشمنی و خصومت جمهوری اسلامی با آزادی و آزادی طلبی و همچنین جریانات سلطنت طلب که خواهان حذف دیگر اپوزیسیون جمهوری اسلامی هستند، باب میشود. شما هم از این هشتک استفاده کنید و درک خود را از آزادی و دمکراسی بیان کنید. برای ما آزادی یعنی اینکه:

حاکمیت خونین و ستمگر جمهوری اسلامی فوراً پایان یابد. خلع بد حاکمین کنونی از قدرت اعم از ولی فقیه، رئیس جمهور و همه مقامات دولتی. انحلال فوری وزارت اطلاعات و همه نهادها و نیروهای امنیتی، سرکوبگر و مسلح حکومت. انحلال دولت، مجلس، قوه قضائیه، دادگاهها، بنیادها و سایر نهادهای سیاسی و اجرائی و ایدئولوژیک رژیم. الغای قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون قصاص، قانون کار، قوانین ضد زن و سایر قوانین ضد انسانی جمهوری اسلامی. آزادی یعنی بازداشت فوری و محاکمه علنی سران و کلیه مقامات جمهوری اسلامی که در انقلاب جاری و در تمام طول حاکمیت این رژیم مسئول، آمر و یا عامل کشتار و جنایت علیه مردم بوده اند.

آزادی یعنی آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی. پایان دادن به پدیده زندانی سیاسی و عقیدتی. هر نوع شکنجه، ارباب، تحقیر و اعمال فشار فکری

پزشکیان اعلام کرده است که دستور مذاکره مستقیم با آمریکا را داده است.

تلقی خواهند کرد و همین امر زمینه تعرض و فشار بیشتر علیه حکومت را فراهم می‌سازد. و اگر این شروط را نپذیرد، آنگاه با خطر جنگ و درگیری نظامی روبه‌رو خواهد شد که نتیجه‌ای جز شکست نخواهد داشت. در هر دو حالت، با جمهوری اسلامی شکست خورده‌ای مواجه خواهیم بود.

برای مردم، مسئله روشن است: در هر شرایطی با رژیمی طرف هستیم که به‌ویژه پس از کشتار هولناک اخیر، مردم خواهان رفتن و نابودی فوری آن هستند. مردم در هر حالتی خواستار سرنگونی جمهوری اسلامی‌اند و از این خواست عقب نخواهند نشست و برای هر سناریویی باید آماده باشند. سرنگونی این رژیم تنها تضمینی است که می‌تواند خطر جنگ را از بالای سر جامعه‌ی ایران دور کند. (از مدیای اجتماعی)

این همان رژیمی است که رهبر جنایتکارش مذاکره مستقیم با آمریکا را "غیر شرافتمندانه" خوانده بود. اما اکنون به جایی رسیده که ناچار به پذیرش آن شده است. چون با وجود کشتار وحشیانه‌ای که علیه مردم مرتکب شده‌اند، به‌خوبی می‌دانند این مردم در کمین نشسته‌اند تا بساطشان را برچینند؛ و همچنین می‌دانند که برخلاف همه هارت و پورته‌ها، توان و یارای رویارویی نظامی با آمریکا را ندارند.

این‌که مذاکرات به کجا خواهد انجامید، برای هیچ‌کس روشن نیست. اما در هر دو حالت—چه پذیرش شروط دولت آمریکا و چه رد این شروط—جمهوری اسلامی بازنده خواهد بود. جمهوری اسلامی در هر صورت بازنده خواهد بود؛ زیرا اگر شروط آمریکا را بپذیرد، این پذیرش به معنای شکستی بزرگ، هم در سطح ایدئولوژیک، سیاسی و نظامی (کوتاه آمدن در مورد غنی‌سازی و ...) است. مردم این عقب‌نشینی را نشانه ضعف رژیم